

مشاوره در حوزه

اشاره

آنچه می‌خوانید گفت‌وگویی است با شماری از صاحب‌نظران حوزوی درباره‌ی جایگاه مشاوره در حوزه. در این گفت‌وگوی علمی، کارشناسان حوزه ضمن ارائه دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود برای بهینه‌سازی نهاد مشاوره در حوزه، بر ضرورت و فواید بی‌شمار این برنامه‌ی راهگشا تأکید کرده‌اند. محققانی که دعوت مجله را اجابت و در این اقتراح علمی مشارکت کردند، عبارت‌اند از:

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا احمدی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ماه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین حق‌جو، مسئول مرکز مشاوره حوزه.
۳. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین شریفی‌نیا، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و رئیس مرکز مشاوره امین.
۴. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد مهدی صفورایی پاریزی، مسئول مرکز مشاوره جامع‌المصطفی‌العالمیه، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵. حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی‌نقی فقیهی، استادیار دانشگاه قم، مدیر مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی.

معنا و مفهوم مشاوره چیست و آیا مشاوره دینی با دیگر مشاوره‌های علمی تفاوت دارد؟

محمدحسین شریفی‌نیا: مشاوره دو معنا دارد یا - مثل هر مفهوم دیگری - از دو جهت قابل بررسی است: لغوی و اصطلاحی. به لحاظ لغوی مشاوره عبارت است از گفت‌وگو با دیگران در باب موضوع خاصی که می‌خواهیم راجع به آن تصمیم بگیریم. هر وقت که انسان می‌خواهد در باب موضوعی تصمیمی بگیرد، با افرادی که درباره آن موضوع صاحب‌نظرند و به اصطلاح اطلاعات یا تجربه‌ای دارند، گفت‌وگو می‌کند. مشاوره در این معنای لغوی، همزاد بشر است؛ یعنی از روزی که بشر نیاز به تصمیم‌گیری پیدا کرده، با کسانی که پیرامونش بودند راجع به تصمیماتش گفت‌وگو کرده و به همین جهت تاریخ مشاوره و مشورت کردن برابر است با تاریخ حیات بشر در روی کره زمین.

اما از جهت تخصصی و به لحاظ اصطلاحی، مشاوره عبارت است از یک رابطه درمانگرانه و یاورانه که به صورت تخصصی بین دو نفر (متخصص و مراجع) برگزار می‌شود. در این مفهوم، مشاوره حدود یک قرن سابقه دارد. در حقیقت مفهوم تخصصی مشاوره زائیده تمدن مدرن است؛ به دلیل تخصصی شدن فعالیت‌ها، تقسیم کارها و پیچیده شدن جوامع بشری و افزایش مشکلات و هزینه تصمیم‌گیری انسان‌ها.

مشاوره، مفهوماً غیر از راهنمایی است. همچنین با روان‌درمانی هم یکی نیست. در راهنمایی، فرد ممکن است تقاضایی از ما نکند؛ اما ما می‌بینیم که در مسیر نادرستی قرار گرفته است و راهنمایی‌اش می‌کنیم. همچنین در راهنمایی ما معمولاً برای رشد و ارتقای کیفی، افرادی را که ممکن است هیچ مسئله و مشکلی ندارند، راهنمایی می‌کنیم؛ اما در مشاوره ما معمولاً با کسانی مواجهیم که دچار مشکلات جزئی شده‌اند، ولی هنوز زندگی‌شان به هم نریخته است. روان‌درمانی هم مربوط به جایی است که بیماری یا اختلال مهمی وجود داشته باشد. اینها تفاوت مشاوره با راهنمایی و روان‌درمانی است.

قسمت دوم سؤال، این بود که آیا مشاوره دینی با مشاوره علمی فرق دارد. به نظر بنده مشاوره به مفهوم تخصصی، یک دانش، حرفه یا امر مطلق است. البته بسته به زمینه‌ها و کانتکسی که مشاوره در آن انجام می‌گیرد، می‌توانیم مشاوره را به امور دیگری اضافه کنیم؛ مثلاً بگوییم «مشاوره تربیتی» یا «مشاوره ازدواج». ولی مشاوره در تعریف علمی‌اش، به مشاوره اسلامی یا غیر اسلامی یا مسیحی، یهودی، بودایی، آمریکایی، اروپایی یا آسیایی تقسیم نمی‌شود؛ بلکه اگر این مشاوره مثلاً در فرهنگ غربی اتفاق

بیفتند، چون بخشی از ابعاد مشاوره پرداختن به زمینه فرهنگی مراجع است، می‌توانیم نامش را مشاوره در فرهنگ اروپایی بگذاریم، و اگر در سرزمین اسلامی انجام گرفت، مشاوره بر مبنای اسلامی است.

توصیه‌هایی که ما در متون دینی برای مشورت داریم، همان مشورت به معنای عام است. در قرآن، مشورت در دو زمینه آمده است: در زمینه مسائل خانوادگی (از شیر باز کردن فرزند که به والدین توصیه می‌کند این کار را با مشورت انجام بدهید) و یکی هم در مسائل سیاسی اجتماعی که خداوند متعال به پیامبر توصیه می‌فرماید که در مسائل به اصطلاح کلان اجتماعی با مؤمنین و مسلمان‌ها مشورت کنید. مشاوره در این دو آیه، به معنای فنی به کار نرفته است. در توصیه‌هایی که از ائمه معصومین - علیهم‌السلام - رسیده، زمینه‌های دیگری هم وجود دارد. مثلاً فرموده‌اند در تجارت، مشورت کنید، یا وقتی می‌خواهی با کسی رفیق بشوی، مشورت کن، یا وقتی می‌خواهی فلان کار را بکنی مشورت کن، وقتی می‌خواهی همسری انتخاب کنی مشورت کن... در این نمونه‌ها، توصیه به مشورت برای استفاده از عقل و مهارت‌های دیگران است. مشاوره اصطلاحی، فراتر و پیچیده‌تر از این است. در واقع مشورتی که در متون دینی آمده است، بخشی از فرایند مهارت تصمیم‌گیری است که همه جا و در همه زمینه‌ها وجود دارد؛ اما امروزه مشاوره، بخشی از فرایند تصمیم‌گیری نیست، بخشی از فرایند حل مسئله است، حل مشکل است. این دو، با هم متفاوت است.

محمدحسین حق‌جو: مشاوره به معنای هم‌فکری، هم‌اندیشی، تعمیق بخشیدن به واردات و صادرات ذهنی است. انسان در بعضی از موارد و مقاطع در موضوعات مختلف ذهنیات و مسائلی دارد که اگر بخواهد آنها را عملی بکند، باید به یک تعمق و ژرفایی دست پیدا کند تا بتواند تصمیم بگیرد. خود مشاوره، هم تعمق در انسان می‌آفریند و هم ایجاد انگیزه می‌کند. خیلی از افراد وقتی می‌خواهند کاری انجام بدهند، در ابتدا برای خودشان هم روشن است که کار خوبی است، اما آن قدر این مسئله برای آنها تعمق پیدا نکرده که به انگیزه تبدیل بشود و بعد از انگیزه، اراده در آنها فعال بشود و بعد از اراده، فکرشان را به فعلیت برسانند. در آن روایت معروف هم هست که پیغمبر خدا (ص) فرمودند: الايمان عقد بالقلب و نطق باللسان و عمل بالاحكام؛ «هر رفتار و گفتاری در انسان برگرفته از افکار او است.»

افکار انسان هم وقتی عمق پیدا می کند که با روش های مختلف تعمق پیدا بکند و یکی از راه های تعمق فکری هم تعامل و تبادل فکری با افراد مختلف در عرصه ها و با نگرش ها و بینش های مختلف علمی است. ما در لسان روایات می بینیم که از مشاوره به عنوان استخراج رأی صحیح تعبیر شده. معنای لغوی مشاوره را مرحوم صاحب مفردات، استخراج رأی صحیح می داند. در پرتو گفت و گو با افراد خبیر و آگاه انسان به رأی صحیح می رسد. علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) می فرماید: نتیجه مشاوره، انتخاب بهتر و برتر است. صاحب مجمع البیان، مشاوره را به تبادل نظر برای روشن شدن حق و واقعیت تعبیر می کند. در روایات هم داریم که المشاورة عين الهداية؛ «انسان در پرتو مشاوره به هدایت و راه درست دست پیدا می کند.» لا ظهير كالمشاوره؛ «هیچ پشتیبان و تکیه گاهی محکم تر از مشاوره نیست.»

به هر حال مشاوره خودش از یک معنا و مفهوم عمیق و گسترده ای برخوردار است که باید ما این مفهوم و معنا را برای جوامع خودمان تبیین کنیم. بعضی ها فکر می کنند کسی که به مشاوره می رود حتما مشکل روانی دارد، مشکل روحی دارد، نقص دارد. نه؛ اتفاقا ما براساس تجربه ای که داریم شاید ۸۵ درصد مراجعان ما ضعف یا نقص خاصی ندارند. بلکه برای دست یابی به میان برها، راه های زودرس، راه هایی که زودتر به مقصد و نتیجه برسد، در جلسات مشاوره شرکت می کنند. در دانشگاه ها رشته هایی داریم در بحث روان شناسی که یکی از رشته های مرتبط به آن همین مشاوره است که انواعی دارد: مشاوره بالینی، مشاوره کودک، مشاوره خانواده، مشاوره ازدواج و...

به عقیده من براساس فرایند عمیقی که در روایات و معارف دینی داریم، باید گفت که دیگران از مکتب ما استراق سمع کردند. اما حالا ما داریم تولیدات آنها را مصرف می کنیم. عناوین را از معارف ما گرفتند؛ بالاخص خود مشاوره را که یک اصطلاح قرآنی و روایی است. نگوییم مشاوره یک اصطلاح و مفهوم غیردینی بوده و حالا دینی شده است! غربی ها این سنت را از مسلمین گرفتند و از آن، رشته و دانشکده و دانشگاه ساختند. اما وقت آن رسیده است که ما نیز به متون و منابع خود برگردیم و آنچه را که نیاز داریم از دل آنها بیرون کشیم.

مشاوره در متون دینی ما فراوان به کار رفته است. - آیت الله استادی کتابی نوشتند تحت عنوان مشاوره که در آن حدود چهارصد روایت جمع آوری و دسته بندی شده است -

منتها استخراج مفاهیم از متون دینی، هم قوه اجتهاد می خواهد و هم اهتمام دلسوزانه. برخی به خود این زحمت‌ها را نمی دهند و همان حرف‌های دیگران را می خوانند و بر اساس آنها داوری می کنند.

گرچه مشاوره دینی و مشاوره‌ای که الان مصطلح است، در بین مردم خیلی نزدیک به همدیگرند، اما تفاوت‌هایی هم میان آنها وجود دارد. بعضی از روان‌شناسان، واژه مشاوره را همان فرایند مشاوره دینی تفسیر و تبیین کرده‌اند، که مشکلی نیست و ما موافقیم. اما گاهی می گویند «مشاوره دینی» یکی از انواع و اقسام مشاوره است. در این صورت مراجعان گمان می کنند مشاوره دینی فقط شامل احکام و عقاید و اخلاق است. اما این طور نیست. مشاوره دینی در همه عرصه‌ها - حتی مباحث خاص تجربی، مانند پزشکی، روان‌پزشکی، تربیتی، شغلی، زناشویی - حضور و کارایی دارد. چه مسئله‌ای را می توان یافت که درباره آن بتوانیم از منظر دین گفت و گو کنیم؟

گاهی برخی مشاوره‌های دانشمندان روان‌شناس یا روان‌پزشک، با مشاوره دینی، هم‌سویی پیدا می کند که درست هم همین است؛ اما گاهی بعضی از مشاوره‌های آنان با مبانی دینی ما تعارض دارد. ما برای چنین مشاوره‌هایی اعتبار قائل نیستیم. حداقل می شود گفت که این نوع مشاوره‌ها اگر زیان نداشته باشند، درمان اصلی را به مراجع نشان نمی دهند.

علی نقی فقیهی: مفهوم مشاوره امروز با مفهوم مشاوره در متون دینی تفاوت چندانی ندارد. در کتاب مشاوره در آینه علم و دین (ص ۳۸ تا ۴۶) من این بحث را مفصلاً مطرح کرده‌ام. حدود ۷۵۰ سال قبل، راغب اصفهانی تعریفی از تشاور و مشاوره و مشورت ارائه می کند که در آن دو خصوصیت وجود دارد: کشف حقیقت و هدایت فرد به سوی اهداف مطلوب. در مشاوره امروز هم همین است. یک مشاور کوشش می کند در یک مصاحبه رودررو مشکلات روانی مراجع را از درون او کشف کند. سپس با کمک هم می کوشند که راهی برای درمان آن مشکل پیدا کنند.

نکته دوم این است که وقتی خود مراجع متوجه شد که چه مشکلی دارد و مشاور هم آن را به دست آورد، سعی می کند زمینه هدایت مراجع را هموار کند. مشاور، نقاط قوت و امکاناتی را که در مراجع وجود دارد، شناسایی می کند و با کمک همان راه‌حلی را نشان

می‌دهد. در حقیقت آن کشف و هدایت که در تعریف مرحوم راغب مطرح است، همان مفاهیمی است که در تعاریف اصطلاحی مشاوره وجود دارد. راغب می‌گوید: «التشاور و المشاورة والمشورة استخراج الرأى بمراجعة البعض الى البعض.» در این تعریف اولاً سخن از حضور فرد دیگری است که مشورت می‌دهد و ثانیاً می‌گوید مشاوره، استخراج رأی صواب است. در کلام مرحوم طریحی در مجمع البحرین هم، این عناصر با عبارات دیگری آمده است. در تعبیر مرحوم طریحی، هم بحث مراجعه و هم کشف و نظر مشاور در رابطه با مشکل خودش و اینکه چه نوع هدایتی را می‌تواند داشته باشد، آمده است و در آخر هم از هدایتی سخن می‌گوید که فرد باید به آن سمت و سوی حرکت کند.

مشاوره، مبانی و اصول و روش‌هایی دارد که در همهٔ اینها اسلامی بودن نقش دارد. مبانی مشاوره نزد ما با برخی نظریات جدید روان‌شناختی متفاوت است. در اصول و روش هم تفاوت‌هایی وجود دارد. گرایش اصلی اسلام به معنویت، اخلاق و تعهد است. ولی در ملاک‌های علمی، روی این مسائل، اصرار چندانی ندارند. گرچه ضوابطی را با عنوان قانون یا اخلاق در مشاوره مطرح کرده‌اند، ولی شالودهٔ برنامه‌ها و کارهایشان در مشاوره بر معنویت نیست. در مشاورهٔ دینی، مشاور سعی می‌کند در عین حل کردن مشکل روانی فرد، او را به راه درست و مستقیم معنوی هم هدایت کند. یکی از اهداف و مفاهیم واقعی مشاوره، تربیت است. مشاوره جزء علوم تربیتی است. یعنی مشاور باید به گونه‌ای مراجع خود را تربیت کند که نه تنها مشکل دنیایی‌اش حل بشود، بلکه زمینه رسیدن به سعادت و کمال ابدی را در او فراهم بکند. بنابراین نباید راهکارهایی را پیشنهاد بکند که ممکن است مشکل فرد را موقتاً حل بکند، ولی برای او مشکل معنوی و اخلاقی پیدا بشود.

یکی از عواملی که باعث بروز مشکل می‌شود و در دین به آن توجه شده است، ولی علمای روان‌شناس به آن نپرداختند، دوری از معنویت است. یا به عبارتی دیگر فاصله گرفتن از طبیعت فطری و الهی خویش است. به تعبیری که امام علی (ع) دارد، درد تو از خودت و درمانت هم از خودت است. این درد از خودت است، یعنی وقتی فطرت از حالت طبیعی خودش بیرون بیاید، خواه ناخواه از یک جایی سر در می‌آورد و به مشکلات روانی منجر می‌شود. اصلاً اختلال روانی جایی مطرح است که سیستم وجودی انسان به هم بریزد. سیستم وجودی، گاهی سیستم بدنی یا مغز و اعصاب است و گاهی سیستم روانی است. اگر سیستم روانی انسان نامتعادل باشد، مشکلات خاصی را پدید می‌آورد. گاهی

هم عواطف و احساسات انسان جریحه‌دار می‌شود. در این صورت، استعداد‌های او شکوفا نخواهد شد. وقتی کل سیستم مختل شد، از مسیر طبیعی که به سوی قرب الی‌الله است و از فطرت شروع می‌شود، انحراف پیدا می‌کند. بسیاری از مشکلات روانی و روحی انسان، ناشی از اختلالات فطری است. عوارض این بیماری‌ها در دستور کار روان‌شناسان غیر دینی نیست. مثلاً یک روان‌شناس لائیک، بی‌رغبتی به سعادت‌طلبی را بیماری نمی‌داند؛ چون معیار او فطرت نیست؛ عوارض رفتاری و برخی ناهنجاری‌های اجتماعی است.

اختلالات فطری را باید از منظر دینی شناسایی و درمان کنیم؛ وگرنه قادر به درمان حقیقی و پایدار نخواهیم بود. «بک» که یکی از صاحب‌نظران در این زمینه است، معتقد است که برای درمان افسردگی، باید باور‌هایی را که منجر به افسردگی می‌شود، از آدم افسرده بگیریم. به عقیده او مثلاً اگر اعتقاد به جهنم و عذاب‌های اخروی منشأ افسردگی و خواب‌های پریشان است، باید از بیمار بخواهیم که دست از این عقیده بردارد! اما دانشمند دینی می‌داند که دین هرگز باعث افسردگی نمی‌شود. بنابراین اگر یک آدم افسرده برای مشاوره نزد یک روان‌شناس دین‌باور بیاید، ممکن است اعتقادش به جهان آخرت بیشتر شود و در عین حال از راه‌های دیگر بیماری افسردگی اش درمان گردد.

در راهکارها هم تفاوت‌هایی وجود دارد. راهکارهای فیزیکی، روانی، روان‌شناختی، رفتاری، شناخت رفتاری و مانند آن. در دین راهکارهای خاص معنوی اخلاقی، مانند دعا و توسل و ارتباط‌های معنوی پیشنهاد می‌شود که نقش اساسی در درمان‌گری دارند. این درمان‌ها و راه‌ها مجرب‌اند و جواب داده‌اند؛ اما تا دستگاه مشاوره دینی راه نیفتند و مراکز مربوط به آن فعالیت‌های خود را نگسترانند، این درمان‌ها رونق نمی‌یابند.

محمد رضا احمدی: معنای لغوی مشاوره آن‌گونه که راغب در مفردات می‌نویسد، عبارت است از «استخراج الرأی بمراجعة البعض الی البعض. من قولهم شرت العسل اذا اتخذته من موضعه و استخرجته منه.» یعنی مشاوره عبارت است از اینکه فردی به فرد دیگر مراجعه کند و رأی و نظر او را درباره موضوعی به دست آورد. این مفهوم از جمله «شرت العسل» گرفته شده است که هنگامی به کار می‌رود که عسل را از کندو بیرون می‌آورند.

اما معنای اصطلاحی آن، که معادل انگلیسی‌اش «Gounseling» است به فرایندی اطلاق می‌شود که بین مشاور و مراجعه‌کننده رخ می‌دهد تا مراجع به کمک مشاور بتواند

قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را شناخته و مشکلات و مسائل خود را در ابعاد مختلف (شناختی، عاطفی، رفتاری...) حل کند.

نظریه‌پردازانی که از قلمرو مشاوره به طرح دیدگاه‌های خود درباره ارتباط دو سویه بین مشاور و مراجع می‌پردازند، مبانی نظری و اصول و قواعد کلی و نیز روش‌ها و تکنیک‌های خاص خود را باور دارند و براساس تفاوت‌هایی که از هر یک از این سه زمینه (مبانی - اصول و روش‌ها) دارند، متمایز می‌شوند. بنابراین اگر بپذیریم (که می‌پذیریم) اسلام در زمینه مشاوره دیدگاه خاص خود را دارد. اسلامی بودن مشاوره، یعنی مشاوره‌ای که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی توصیه شده باشد و متکی بر اصول و قواعد دینی به ارائه روش‌ها و تکنیک‌های مشروع و متناسب با دستورالعمل‌های اسلامی پرداخته و به حل مشکل مراجع کمک شود.

شاید بتوان گفت مشاوره در متون دینی عام است و مشاوره مصطلح خاص. همان‌طور که در مفردات راغب آمده است هر نوع مراجعه‌ای که فرد برای گرفتن رأی و نظر به دیگری دارد، مشاوره گویند؛ ولی مشاوره مصطلح رابطه دو سویه خاصی است که تحت شرایط و ویژگی‌های مشخصی، انجام می‌گیرد.

مبانی و منابع مشاوره دینی، چیست؟

محمدحسین حق‌جو: ما - الحمدلله - منابع و مأخذ قوی و عمیقی در روایات داریم که باید در آنها کار بیشتری بشود. مبانی ما در مشاوره همان معارف اهل بیت (ع) و قرآن است. این دو منبع غنی و عمیق، می‌توانند عنوان منبع و مبانی مشاوره دینی نیز قرار بگیرند. البته متدها و روش‌های مشاوره فرایند خاص خودش را دارد که اگر آن را هم ضمیمه کنیم، می‌تواند کاربردی‌تر شود. گرچه می‌توان از منبع سومی هم به عنوان حاشیه استفاده کرد که عبارت باشد از فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف؛ تا بتوانیم مبانی مان را شفاف‌تر، کاربردی‌تر و راهبردی‌تر عرضه کنیم.

علی‌نقی فقیهی: به عقیده من، مبانی غیر از منابع است. منابع مشاوره دینی همان قرآن، احادیث، سنت پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است؛ یعنی آن سرچشمه‌هایی که ما مبانی و اصول و روش‌ها را می‌توانیم از آنها استخراج کنیم. اینها منابع مشاوره دینی

هستند. اما مبانی، عبارت است از واقعیت وجودی انسان و راه کارها و اصولی که در هدایت انسان به کار می آیند. به عبارت دیگر، مبانی ویژگی های فطری و طبیعی آدمی است که واقعیت دارد. به تعبیر امام صادق (ع) در یک روایت: انسان دارای معدن است. یعنی موجودی که چیزهایی در او نهفته است که باید استخراج بشود. لذا یکی از راهکارها خودشناسی است. خودشناسی برای این است که آن گوهرهای وجود انسان کشف بشود. کمال خواهی، حبّ خدا، استقلال، گرایش به زیبایی و... گوهرهای نهفته در وجود انسان اند. مبانی انسان شناختی مشاوری اسلامی، واقعیت وجودی انسان را با تمام ویژگی ها و جنبه های شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و الهی او آشکار می کند. این وجوه به وسیله علم حضوری یا تحلیل عقلی یا به کمک علوم دیگر کشف می شود.

مبانی مذکور دو دسته هستند: فطری و علمی. مبانی فطری آنهایی است که ما با علم حضوری خودمان یا حداقل با تحلیل عقلی می توانیم به آنها راه پیدا کنیم، ولی مبانی علمی از طریق علوم (مانند علم روان شناسی و جامعه شناسی) استخراج می شود. مبانی فطری همان ویژگی های فطری انسان اند که بدون اکتساب و تأثیر عوامل محیطی و تربیتی در او وجود دارند و با علم حضوری و یا تحلیل عقلی کشف می شوند؛ اما مبانی علمی، شاید با علم حضوری صید نشوند و نیاز به علوم و پیشرفت های علمی باشد. من چهارده مبانی انسان شناختی را که به کار مشاوری دینی می آید، شناسایی کرده ام که اینجا نام می برم:

۱. رابطه ناگسستگی شناختی و عاطفی با پروردگار. این مبنا هم شامل شناخت می شود و هم شامل گرایش و محبت. یعنی صرف شناخت، فطری نیست؛ انسان علاوه بر شناخت، فطرناً خداوند را دوست دارد و دوست داشتن، فراتر از معرفت داشتن است.

۲. کمال خواهی و ارتقائطلبی.

۳. آزادی خواهی و تمایل به رهایی از هر گونه قید و بند. یعنی انسان دوست دارد به کمال برسد و در مسیر کمال و سعادتش هیچ مانعی وجود نداشته باشد. نگاه دین به آزادی، با نگاه دیگران فرق می کند. آزادی، یعنی آزادی از قیود انسانی، نه آزادی از قوانین تشریحی و تکوینی.

۴. گرایش به خیر و خوبی و فضیلت خواهی و حق طلبی.

۵. حقیقت جویی و واقعیت پذیری.

۶. زیبایی طلبی.

۷. جست و جوی سعادت جاوید و خوشبختی پایدار. خوشبختی های موقت و زودگذر، انسان را ارضا نمی کنند و او همیشه طالب سعادت است که ابدی باشد.

۸. هدایت پذیری.

۹. عزت خواهی.

۱۰. حب ذات. حب ذات غیر از حب هوای نفس است. حب ذات، خود دوستی است. محبتی که جز خیر و نیکی برای خود نمی خواهد.

۱۱. نوع دوستی.

۱۲. آرامش طلبی.

۱۳. لذت جویی و دوری از درد و الم. اینکه مثلا در روایات وارد شده است که الدنيا سجن المؤمن دلالتی ندارد که انسان در این دنیا نباید دنبال لذایذ مشروع و مطبوع باشد. اوضاع و احوال، به گونه ای است که دنیا برای مؤمن مانند زندان است؛ اما مؤمن نباید خوشی و راحتی را بر خود حرام کند. قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده (اعراف / ۳۲).

۱۴. اختیار و انتخاب گری. خیلی از افراد که دچار مشکلات روانی می شوند، به این دلیل است که احساس می کنند در این دنیا تحت اضطرار و اکراه قرار گرفته اند و قدرتی از خود ندارند. در حالی که فرد مضطر و مکره نیز مختار و انتخاب گر است.

محمدحسین شریفی نیا؛ ما اول باید ثابت کنیم که چیزی به نام مشاوره دینی به صورت خاص وجود دارد، سپس بگوییم مبانی و منابع چیست و کجا است. من با اصل این مبنا موافقت چندانی ندارم. اگر به فرض این مبنا را بپذیریم، باید از همه مبادی ای که در کمک به مراجع، قابل استفاده است، در فرایند مشاوره سود جست. مشاوره در معنای تخصصی اش، نوعی درمان سطحی و سرپایی است. همه فقهای شیعه و همه بزرگان فقهی بر این عقیده متفق اند که اگر در فرایند درمان، ضرورتی پیش آمد کاری که در شرایط عادی حلال نیست، انجام دهیم، و برای درمان راهی جز آن نباشد، از باب «الضرورات تبيح المحرمات» آن کار مباح می شود. فی المثل نگاه به اجنبی در شرایط عادی حرام است، اما پزشک برای اینکه بتواند معاینه بکند و برای این معاینه اش نیاز

دارد به بررسی وضعیت جسمی، می‌تواند قسمت‌های مختلف بدن نامحرم را ببیند. عین این موضوع در فضا و شرایط دیگری در مشاوره هم پیش می‌آید. به عنوان مثال افشای حرام، حرام است؛ اما در فرایند مشاوره، مراجع باید مسائلش را - اعم از ارتکاب حرام و قبیح - به مشاور بگوید، تا مشاور بتواند راهنمایی بکند. مراجعی که برای درمان استمنا به مشاور مراجعه می‌کند، نمی‌تواند بدون اینکه شرایط خودش را در این بیماری توضیح بدهد از مشاور تقاضای درمانگری داشته باشد. بنابراین اینکه ما مثلاً خط قرمزهایی داریم که باید در مشاوره هم لحاظ بشود، ممکن نیست.

این امر در مسائل پزشکی هم وجود دارد. خیلی از خانواده‌های متدین حاضر نبودند که دختران یا همسرانشان را برای درمان شکستگی‌های اعضای بدن، نزد ارتوپد ببرند. اما امروز همه پذیرفته‌اند که چاره‌ای جز این نیست و اشکالی هم ندارد. کسی هم از مرجع خودش سؤال نمی‌کند که من دخترم یا همسرم را نزد دکتر نامحرم ببرم یا نه. البته اگر ما در متون جست‌وجو کنیم، ممکن است آنجا اما و اگرهای فراوانی برای همین موضوع وجود داشته باشد. در مشاوره هم دقیقاً همین است. بنابراین احکام مشاوره مانند احکام سایر بیماری‌ها است. یعنی اول باید متخصصان موضوع را تبیین بکنند، مصادیقش را هم بگویند، سپس فقها احکام را صادر کنند.

ممکن است کسی بگوید: در مشاوره برای حل مشکل، راه‌حل‌های متعددی وجود دارد. آیا ما مجاز هستیم در یک جامعه اسلامی از زمینه‌ها و روش‌های اسلامی استفاده بکنیم؟ پاسخ من این است که همه اینها دایره مدار میزان نتیجه است. اگر مراجع ما زمینه‌های مذهبی دارد، بی‌شک ما باید از این زمینه‌ها استفاده بکنیم. علم هم همین توصیه را به ما می‌کند. اقتضای اخلاق حرفه‌ای هم جز این نیست. اما برای مراجعی که ما یقین داریم به توصیه‌های دینی عمل نمی‌کند و اصلاً با دین بیگانه است، تجویز راهکارهای اسلامی چه سودی دارد؟ اگر حاضر نیستیم توصیه‌های دیگری بکنیم، باید به مراجع بگوییم من نمی‌توانم برای شما مفید باشم، لطفاً به مشاور دیگری مراجعه بفرمایید.

در یکی از کشورهای اروپایی، یکی از دوستان ما که دفتر مشاوره دارد، می‌گفت گاهی کسی اینجا می‌آید که مشکل هم‌جنس‌بازی دارد. من به او می‌گویم: متأسفانه من برای شما مفید نیستم. می‌ترسم نگرش‌های من در نگرش‌های شما دخالت کند و شما

بیشتر از پیش، سردرگم بشوید. بروید جایی که شما را مناسب راهنمایی بکنند. تأکید می‌کنم که وظیفه مشاور در حال مشاوره، حل مشکل است نه موعظه، نه پند و اندرز، نه ارشاد و راهنمایی به حقیقت، اینها اگر چه چیزهای خوبی هستند، اما وظیفه مشاور از آن جهت که مشاور است، نیست.

در مشاوره اسلامی بیشتر بر پیشگیری تأکید می‌شود یا درمان؟

محمد مهدی صفورایی باریزی: نه مشاوره اسلامی و نه غیر اسلامی فقط بر درمان تأکید ندارند. چون اگر بخواهیم فقط بر درمان تأکید کنیم، هزینه‌ها بالا می‌رود و ددرسرها بیشتر می‌شود و مشکلاتی پیش می‌آید که بعضی وقت‌ها دیگر قابل جبران هم نیست و یا خیلی جبران آن سخت است. لذا در مشاوره اسلامی هم، اولین چیزی که بر آن تأکید می‌شود، پیشگیری است. شعار «پیشگیری مقدم بر درمان است» یک شعار عقلانی است و در مشاوره اسلامی نیز جایگاه والایی دارد.

حالا اگر ما پیشگیری کردیم و تمام تلاش‌مان را هم به کار گرفتیم ولی به جایی نرسید، آن‌گاه نوبت به درمان می‌رسد و شاید در اینجا راه‌ها از هم جدا شود یا کمی با هم تفاوت داشته باشند.

محمد حسین شریفی‌نیا: مسلماً در اینجا هم پیشگیری مقدم بر درمان است. ما اگر به متون دینی مان مراجعه بکنیم آنجا هم این برتری را خواهیم یافت که پیشگیری مقدم بر درمان است و باید حتماً کاری بکنیم که افراد مبتلا نشوند. برای جنبه‌های پیشگیرانه هم دستورات و وظایف فراوانی داده‌اند که در قالب واجب، حرام، مستحب، مکروه، توصیه‌های اخلاقی، تحصیل و تقویت و تمجید پاره‌ای از رفتارها آمده است. همه دستورات دینی برای پیشگیری از افتادن افراد به دام اختلالات روانی و ناهنجاری‌های رفتاری است.

در بُعد درمان هم منابع ما غنی است. مثلاً امام موسی بن جعفر - علیه السلام - از کوچه‌ای عبور می‌کردند، در همان حال کنیزکی دم در می‌آید که زباله‌ها را بیرون بگذارد. از داخل منزل صدای آواز و دهل یا تغنی با صدای بلند به گوش می‌رسید. امام می‌فرمایند که صاحب این خانه آزاد است یا عبد؟ کنیز می‌گوید: آزاد است. امام می‌فرمایند: حقا که آزاد است؛ اگر بنده بود، این چنین نبود. کنیزک داخل می‌رود. صاحب خانه از او می‌پرسد

که چرا دیر کردی؟ چه اتفاقی افتاد؟ او هم ماجرا را تعریف می کند. همان جا جرقه ای در وجود این فرد روشن می شود. پابرهنه به دنبال گوینده آن کلام می دود. همان جا توبه می کند و ما اکنون او را به نام بشر حافی (پابرهنه) می شناسیم. این، یک رفتار درمانگرانه ظریف است. در سخن امام (ع) نه توییح است نه سرزنش و نه تهدید. مستقیم هم چیزی نفرمودند. اما اثر کرد. چون همه ویژگی های یک رفتار درمان گرانه را داشت.

همچنین نوشته اند: کسی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: من گرفتار انواع رفتارهای ناپهتجار و مجرمانه هستم و به آنها عادت کرده ام. کمکم کنید که بتوانم نجات پیدا کنم. حضرت می فرماید: پس از این دروغ نگو. سپس از او قول می گیرد؛ به قول امروزی ها قرارداد درمانی با او می بندد. چندین بار در معرض گناه قرار می گیرد، اما یادش می آید که قرار است دروغ نگوید. همان طور که دروغ، توابعی دارد، راستگویی هم پیامدهایی دارد که جلوگیری از گناهان یکی از آنها است. در واقع پیامبر (ص) با یک راهنمایی، زمینه اصلاح او را فراهم کردند. این گونه روایات فراوان و فوق العاده عمیق است. مادر جلسات مشاوره و روان درمانی، گاهی به طرف می گویم «برو ورزش کن» یا «برو در خانه سعی کن به حرف اطرافیان خوب گوش بدهی» یا «برو یاد بگیر». گاهی همه مشکل یک خانواده با یک کلمه «ببخشید» حل می شود. مردها باید یاد بگیرند که آسان و آسوده به همسرانشان گاهی بگویند «شما ببخشید». گاهی پیدا کردن محل اصلی مشکل، مساوی با درمان آن است.

محمدرضا احمدی: قطعاً پیشگیری مقدم است. اصل عقلایی است که پیشگیری بر درمان تقدم دارد. بنابراین مشاوره مبتنی بر اصول و قواعد اسلامی نیز مطمئناً بر این اصل عقلایی تأکید می کند؛ به همان دلائلی که پشتوانه علمی و عقلانی این اصل است. یعنی هم آسان تر است و هم کم هزینه تر و هم مؤثرتر و نافذتر. دستورالعمل ها، راه ها و روش های ارائه شده در متون دینی، حکایت از آن دارد که علاج واقعه را باید قبل از وقوع کرد. تأکیدات فراوان بر مشاوره و مراجعه به اهل فن و خبره دلالت بر این دارد که پیشگیری اولیه مقدم بر درمان است. اصولاً اگر کسی به دستورالعمل های دینی (در همه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری) عمل کند، دچار مشکلی نمی شود تا بخواهد به درمان آن بپردازد.

علی نقی فقیهی: در حقیقت این بر می گردد به ویژگی های مشاوره اسلامی که قبلاً یک اشاره ای به آن شد. یکی از ویژگی های مشاوره اسلامی این است که هم به پیشگیری می پردازد و هم به درمان. برخی گمان می کنند که کار دین صرفاً پیشگیری است؛ در حالی که ائمه اطهار (ع) فراوان در رابطه با درمان، انواع و اقسام مشکلات روانی و مانند آنها سخن گفته اند؛ از جمله در رابطه با افسردگی و وسواس.

محمد حسین حق جو: مشاوره فقط پیشگیری نیست؛ بعد شناخت هم دارد. آشنایی، هدایت، آرام بخشی، عامل شناسی، پیشگیری، درمان و ارائه راهکار. صرفاً مشاوره نیست؛ زمینه سازی هم باید کرد که راه درست را انتخاب کنند. راه درست را به مراجع نشان می دهیم و می گوئیم که راه درست این است. افرادی هستند که حاضر نیستند بعضی از کارها را انجام بدهند؛ چون به اهمیت کار پی نبرده اند. ما به او شناخت می دهیم که اگر این کار را انجام بدهی این تبعات را خواهد داشت. ما به او شناخت می دهیم؛ هم در بعد فضایل اخلاقی و هم در بعد ردایل اخلاقی. یکی از کارهای مشاوره آشناسازی و دانش افزایی است. ما وقتی مراجع را آشنا با مسائل بکنیم، او خودش بر اساس آن کمال جویی و ویژگی های خاص خودش دنبال حل مشکلش می رود.

مسئله دیگر، عامل شناسی است. گاهی افرادی مراجعه می کنند که منشأ مشکلاتشان خودشان نیستند. اینها نباید تحقیر و سرزنش بشوند. نباید طرد بشوند؛ بلکه باید حمایت شان کرد. مثلاً شما پنج نفر را در نظر بگیرید که اینها کورند: یکی مادرزاد، یکی از روی بی احتیاطی پدر و مادر، یکی از روی بی احتیاطی جامعه و بیمارستان و غیره... یکی به دلیل جنگ و زلزله و سیل، و یکی هم خودش خودش را کور کرده است. کدام یکی از اینها باید تنبیه بشوند؟ معلوم است که همه آنها یک حکم ندارند. گاهی هم مشکل روانی کسی، به اقتضای سن یا فشارهای بیرونی است. در این جا باید راهکارها فرق کند. کسی که گناهی ندارد، فقط باید راهنمایی شود، نه تنبیه یا سرزنش.

ریشه خیلی از خودکشی ها همین اشتباه است. شخصی بدون اینکه گناهی داشته باشد، خودش را مقصر می داند و تا خودکشی پیش می رود. خیلی از فرارها و ناامیدی ها و افسردگی ها و یأس ها، همین وضع را دارند. ۲۰ درصد مشکلات به افراد بر می گردد و ۸۰ درصد به عوامل مختلف.

پس مشاوره صرف پیشگیری نیست؛ صرف درمان هم نیست. گاهی آماده‌سازی است. گاهی دلداری دادن است. گاهی تفهیم این مسئله است که همه چیز نباید بر وفق مراد ما باشد. گاهی باید شخص را به آینده امیدوار سازیم. استعدادهایش را نشانش دهیم تا بداند که تنها و بی کس و کار نیست، کار ما خیلی از وقت‌ها شاید درمان نباشد. همین که طرف بفهمد در چه جایگاهی و موقعیتی است، چه ویژگی‌هایی دارد و چه آینده‌ای می‌تواند داشته باشد، الان در چه سرازیری و وضع نامطلوبی قرار گرفته است، مشاوره محسوب می‌شود.

مشاوره در حوزه‌های علمیه از چه سابقه و پیشینه‌ای برخوردار است؟

علی نقی فقیهی؛ مشاوره اصطلاحی به مفهومی که الان وجود دارد و به ادعای من در اسلام هم بوده است، متأسفانه در حوزه سابقه‌چندانی ندارد. رایزنی‌های محدودی بوده است؛ در رابطه با اینکه چه درسی را بخوانم و یا اینکه چگونه رشد اخلاقی پیدا بکنم و مانند اینها. این نوع مشاوره وجود داشته است، ولی رسمی و تعریف‌شده و چندان مؤثر نبوده است. هر کس ساز خودش را می‌زده و مستقل و خودرو رشد می‌کرده است. اگر کسی هم خوب پیشرفت می‌کرد و بازدهی خوبی داشت، معمولاً بر اثر مشاوره‌های مؤثر و علمی نبوده است. اگر اندکی هم بوده است، بیشتر به امور درسی یا اخلاقی مربوط می‌شده؛ در مسائل مالی، خانوادگی، زناشویی، تربیتی، شغلی و... خیلی کمتر اتفاق می‌افتاده است. بعد از انقلاب، کم‌کم این مسائل اهمیت یافت و الان شاهد فعالیت‌های بسیار خوب و مؤثری هستیم و امیدواریم که توفیقات بیشتر هم نصیب حوزه و حوزویان شود.

محمدرضا احمدی؛ پیشینه مشاوره در حوزه‌های علمیه به زمان تأسیس آنها بر می‌گردد؛ زیرا همیشه در حوزه‌های علمیه این سنت حسنه جاری بوده است که در مسائل تحصیلی، اخلاقی و غیره به افراد کارشناس و اساتید مراجعه می‌کردند و روحانیون ملجأ و پناهگاه مردم بودند و مراجعین با ارتباط دقیق و عمیقی که با علما و روحانیون داشته‌اند، به حل و فصل مشکلات و مسائل خود می‌پرداختند و به‌عنوان یک مشاور امین و قابل اعتماد و با تجربه به انجام وظیفه مشغول بودند. اما مشاوره مصطلح و رسمی که نهادینه شده باشد، در دهه اخیر در مراکز حوزوی رونق یافت.

محمد مهدی صفورایی: اگر مشاوره را به معنای راهنمایی و هدایت بگیریم، طلاب علوم دینی و فارغ التحصیلان و دانش آموخته های حوزه های علمیه از زمان تأسیس حوزه های علمیه، طرف مشورت مردم قرار می گرفته اند و در سال های پس از انقلاب این مشورت خواهی ها افزایش یافته است. در بسیاری از موارد به ویژه در مسائل مربوط به حوزه دین، تنها طلاب می توانند مورد مشورت قرار گیرند.

بله؛ اگر بخواهیم مشاوره و درمان را به معنای جدیدش، یعنی آن چیزی که در علم روان شناسی و علوم تربیتی به عنوان رشته تخصصی مشاوره مطرح هست، در نظر بگیریم، سابقه ای بیش از ده سال در حوزه ندارد. مشاوره در چند مرکز حوزوی مثل مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مرکز مشاوره حوزه علمیه (زیر نظر مرکز مدیریت) و مرکز مشاوره جامعه المصطفی، حدود ده سال سابقه دارد. این سه نهاد حوزوی تقریباً به طور همزمان مراکز مشاوره ای راه انداختند و به مشاوره، درمان و خدمات مشاوره ای - راهنمایی و روان درمانی و در مواردی روان پزشکی هم می پردازند.

علی رغم اینکه این سه مرکز حوزوی، سابقه چندانی ندارند، ولی خدماتی که این مراکز ارائه کرده اند، بسیار ارزشمند و کارگشا است.

محمد حسین شریفی نیا: فعالیت مشاوره در کشور ما خیلی جدید است. پیش از انقلاب که فقط در برخی مناطق مرفه، چند کلینیک مشاوره دایر بود و عده کمی به آنها مراجعه می کردند. البته در رژیم گذشته، مخصوصاً در آموزش و پرورش و در دانشگاه، اقداماتی برای راه اندازی مراکز مشاوره شده بود. ولی به نتیجه نرسید. بعد از پایان جنگ و در دوره ریاست جمهوری آیت الله هاشمی رفسنجانی، ضرورت گسترش مراکز مشاوره ای در سطح کشور مورد توجه قرار گرفت و سازمان ملی جوانان مسئولیت یافت که این مراکز را گسترش بدهد. من از ابتدای شکل گیری آن جریان در سازمان ملی جوانان حضور داشتم و از همان وقت احساس کردم که حوزه هم باید وارد این فاز بشود. این احساس ضرورت، ما را واداشت که نشست ها و گفت و گوهایی خصوصی با بعضی از دوستان مسئول در حوزه داشته باشیم. اولین جایی که به این ندا پاسخ داد مرکز جهانی علوم اسلامی بود. سال ۷۴ در مرکز جهانی علوم اسلامی به درخواست جناب آقای ربانی، رئیس وقت مرکز جهانی، اولین بار ما توانستیم این ضرورت را به آقایان بقبولانیم و طبیعتاً آقای ربانی

خواهش کردند که اولین کار مشاوره‌ای در مدارس طلاب خارجی سر و سامان بگیرد. اولین دفتر مرکز مشاوره هم در دفتر تبلیغات، سالن انتشارات کتاب، دایر شد. ابتدا دوستان کم تجربه بودند، آشنایی عملی با کار مشاوره نداشتند و ما باید از موجودین استفاده می کردیم؛ اما به خوبی جای خودش را باز کرد و مورد استقبال طلاب خارجی قرار گرفت. پس از چند سالی باز با رایزنی‌های گسترده‌ای که در طول این سال‌ها انجام می شد، آرام آرام مرکز خدمات حوزه و رئیس آن، جناب حجت الاسلام والمسلمین نواب را متقاعد کردیم که حوزه هم به مرکز مشاوره نیاز دارد. طرحی از ما خواستند. طرح را تدوین کردیم؛ اما کار به بیراهه کشیده شد و آنها هم دیگر کار را رها کردند. مدتی بعد ظاهرأ به معاونت تهذیب حوزه واگذار شد که در یک قالب سنتی یا نیمه سنتی کار شروع شد و ادامه پیدا کرد. بعد از آن با الگوگیری از این دو اقدام، مرکز مشاوره مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) راه اندازی شد و الان مراکز دیگری هم هستند که در این زمینه فعالیت می کنند و هنوز جا دارد که کارهای بیشتری صورت گیرد و به صورت تخصصی تر پیگیری شود.

مشاوره برای حوزه‌های علمیه چه آثار و فوایدی به دنبال دارد؟

محمدحسین حق جو: یکی از آثار بزرگ و مهم مشاوره برای حوزه، آسیب شناسی مشکلات طلاب است. ما مشکلات مراجعان را دسته بندی کرده ایم و برای حل آنها به بخش های مختلف حوزه، پیشنهادهایی ارائه دادیم. در جلسات شرکت کردیم آسیب ها را گفتیم. مثلاً ما بررسی کردیم و دیدیم که طلبه هایی که وارد حوزه می شوند به خاطر اینکه از لحاظ جسمی و روحی ارزیابی نمی شوند، بعد از مدتی معلوم می شود که برخی از آنها دچار بیماری های بدخیم جسمی یا روحی اند. اما چون در ابتدا، معاینه و مشاوره نشده اند، وارد حوزه می شوند و پس از صرف هزینه های بسیار برای آموزش و درمان آنان، سودی برای حوزه ندارند و حتی خودشان را هم به زحمت می اندازند. ما طرحی دادیم و گفتیم طلبه ای که می خواهد وارد حوزه شود، علاوه بر بعد علمی و معدل و رتبه آموزش، از حیث روحی و جسمی هم باید ارزیابی شود. آنهایی که سابقه بیماری های روحی و جسمی دارند، وارد حوزه نشوند. امسال الحمدلله برای اولین بار در پذیرش حوزه، این طرح اجرا می شود. همچنین یک تیم پزشکی مستقر کردیم که داوطلبان را معاینه جسمی و روحی کنند.

اگر جواب آزمایش‌ها منفی بود، شخص مبتلا را به تیم‌های تخصصی ارجاع می‌دهند. آنهایی که مشکلات روحی و جسمی داشته باشند، در پذیرششان لحاظ می‌شود. در سال جدید برای همهٔ طلاب، یک پرونده سلامتی (جسمی و روحی) تشکیل می‌شود که هر طلبه‌ای اگر مشکلی پیدا کند، در همان مراحل اولیه شناسایی و درمان شود.

در مسئلهٔ خانواده، ما به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از مراجعان اختلاف خانوادگی دارند، یا به وظایف و حقوقی که دارند، توجه نمی‌کنند یا دچار کم‌آگاهی‌اند. الان در بعضی مدارس، محلی تحت عنوان مشاوره خانواده راه‌اندازی کرده‌ایم. در مشاوره‌ها هم کوشیده‌ایم که همسانی جنسی مراعات شود؛ یعنی خواهران طلبه برای مشاوره نزد مشاور زن بروند و برادران هم با مشاور مرد، گفت‌وگو کنند.

گروه مشاورهٔ خانواده در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، یک هفته در میان جلساتی با مراجعان دارند. مشاوره خانوادهٔ دفتر تبلیغات هم جلسات ماهانه دارد. در خود حوزه هم چندین بار پیشنهاد کرده‌ایم، ولی هنوز عملیاتی نشده است و امیدواریم امسال این کار انجام بگیرد.

از دیگر فواید مشاوره در حوزه، مسائل پزشکی است که از اهمیت بالایی برخوردار است. مثلاً خیلی از افرادی که مشکلات گوارشی دارند، در واقع مشکل دندان و لثه دارند. این تحقیقات باعث شد که حوزه به فکر راه‌حلی برای این مشکل بیفتد.

یکی دیگر از آثار مشاوره، بحران‌زدایی از برخی خانواده‌ها بود. نشاط‌افزایی، توان‌شناسی و توان‌افزایی، بخشی از راه‌هایی بود که برای حل بحران‌های خانوادگی پیشنهاد کردیم و مقدمات آن را هم نام بردیم. از این پیشنهادها هم کمابیش استقبال می‌شود.

بعضی از افرادی که مراجعه می‌کردند استعدادهای فراوانی داشتند؛ اما بیشتر روی ضعف‌هاشان تکیه می‌کردند. در مشاوره، روی استعدادها و توانایی‌های افراد تکیه می‌شود. به هر حال من گمان می‌کنم، هر جلسهٔ مشاوره که در حوزه برگزار می‌گردد، گامی به سوی بهسازی و پاکیزه‌سازی روح و جسم طلاب است و از این رهگذر، خدمات فراوانی نصیب حوزه و علوم دینی می‌شود.

محمدحسین شریفی‌نیا: اساسی‌ترین وظیفهٔ روحانیت کار بر روی نگرش‌ها و رفتار مردم و تلاش برای اصلاح رفتار و تغییر نگرش مردم است. کار حوزه تولید ثروت نیست. تولید

ثروت، و وظیفه کارخانه‌دار است. و وظیفه یک روحانی، اصلاح باورها، تغییر رفتار و رساندن آدم‌ها از وضع موجود نامطلوب به وضع مطلوب آرمانی است. اساسی‌ترین مؤلفه چنین وظیفه‌ای، آشنایی با قوانین حاکم بر روح، رفتار و روان و جان انسان‌ها است. این امر در حداقل یک و نیم قرن اخیر در دانشی به نام روان‌شناسی سازمان‌دهی شده و در سراسر عالم، انسان‌های دانشمندی شماری برای یافتن قوانین حاکم بر روح، روان، رفتار و جان انسان‌ها وقت صرف کرده و به نتایج مهمی هم رسیده‌اند. وظیفه حوزه برای رسیدن به اهداف صنفی خودش این است که از دانش و فن مشاوره کمال استفاده را ببرد. به عقیده من بعد از علوم دینی، اولین دانشی که یک طلبه به آن نیاز دارد، دانش روان‌شناسی است؛ قبل از جامعه‌شناسی، قبل از اقتصاد، قبل از مدیریت، قبل از حقوق، قبل از سیاست و قبل از خیلی از رشته‌های دیگر.

حوزه دو گونه نیاز به مشاوره دارد: نیاز اول، برای رفع مشکلات رفتاری و روان‌شناختی فراوان در میان طلاب علوم دینی و روحانیون و خانواده‌هایشان است. با توجه به قداستی که مردم برای صنف روحانی قائل‌اند، نمی‌توانند رفتارهای ناپه‌نجار یک روحانی را تحمل کنند و وقوع یک رفتار ناپه‌نجار از یک روحانی با خانواده‌اش، موجب زیر سؤال رفتن عموم روحانیت در ذهن شاهدان خواهد شد و این کیان حوزه را تهدید می‌کند. مخصوصاً بعد از انقلاب و با توجه به گسترش کمی و کیفی بسیار وسیع حوزه‌ها و آسان‌گیری در پذیرش، ما مواجه با مشکلات فراوانی هستیم. این مشکلات از مسائل خانوادگی شروع می‌شود و تا نوع رفتار با مردم ادامه می‌یابد. البته، اگر همین مقدار مشکل، در جای دیگری بود، شاید به نظر نمی‌آمد؛ اما در حوزه نباید شاهد همین مقدار مسئله و مشکل هم باشیم. بنابراین حوزه هنگام‌گزینش باید، فیلتر مشاوره را هم لحاظ کند.

مشاوره، بعد از گزینش هم باید ادامه یابد. ما در دنیای پیچیده و پر مسئله‌ای زندگی می‌کنیم. طلاب و روحانیون هم از آسیب‌ها مصون نیستند. بعد از گزینش و در مسیر تحصیل هم باید همراه محصلان باشیم؛ برای حل مشکلات تحصیلی، رفتاری و... مخصوصاً در اوائل طلبگی که هنوز این رفتارها شکل نگرفته‌اند. باید دقیقاً بدانیم که چقدر افت تحصیلی داریم و چرا. بدانیم چه تعدادی از طلبه‌ها گرفتار و سواس‌اند. آمار رشد پرخاشگری را داشته باشیم. چند درصد طلبه‌ها با والدین خود ناسازگارند؟... برای حل این مشکلات هم باید فکری کنیم. طلبه‌ها جایی برای حل این مشکلاتشان ندارند.

از همان اول تأکید می‌شود که اینها اسرار حوزه است! اسرار حوزه را جایی نبرید! خیلی از طلاب جرئت نمی‌کنند به یک مشاور معمولی مراجعه کنند که البته خیلی هم به مصلحت نیست. من هم قبول دارم که طلبه هر جایی نرود و سفره دلش را باز نکند. بنابراین باید یک ساختار مشاوره‌ای نیرومند و بسیار گسترده، (گسترده‌تر از دانشگاه‌ها) در حوزه مستقر شود و به صورت کاملاً تخصصی و حرفه‌ای، نه با پند و اندرز و نصیحت‌گرایانه و نه با دعا و ذکر، مشکلات را بررسی و درمان‌یابی کند. وسواس با ذکر و دعا درمان نمی‌شود. ما باید به فنون حل مشکل وسواس مجهز باشیم. برای درمان پرخاشگری یا افت تحصیلی راه‌های علمی وجود دارد. چرا از آنها استفاده نکنیم؟

نیاز دوم یا ضرورت دوم پرداختن حوزه به مشاوره، این است چون روحانیون امین مردم‌اند، به طور طبیعی مورد مشورت قرار می‌گیرند. خانواده‌ها، مخصوصاً در جوامع سنتی، ترجیح می‌دهند که مشکلات خانوادگی، تربیتی، دینی و شخصی خودشان یا وابستگان‌شان را با روحانی محل در میان بگذارند. از این جهت هم یک طلبه نیاز دارد که با دانش مشاوره آشنا باشد تا وقتی در معرض مشورت قرار گرفت، بتواند راهکارهای عملی مفید عرضه بکند تا اعتماد جامعه را به توانمندی روحانیت در حل مشکلات افزایش دهد.

محمد مهدی صفورایی پاریزی: طلاب حوزه‌های علمیه، تافته‌ای جدا بافته از سایر مردم نیستند. هر فایده‌ای که مشاوره برای سایر مردم دارد، برای طلاب علوم دینی هم دارد. به عبارت دیگر، مشکلات، اختلالات و بیماری‌های روان‌شناختی که برای سایر مردم پیش می‌آید برای طلاب علوم دینی هم پیش می‌آید. اضطراب امتحان برای طلبه دینی هم وجود دارد، برای دانشگاهی هم پیش می‌آید، برای کسانی که بخواهند امتحان راهنمایی و رانندگی هم بدهند، پیش می‌آید. کسی که عزیزش را از دست بدهد، در معرض افسردگی قرار می‌گیرد؛ چه طلبه باشد چه دانشجو، چه کارگر و مهندس و....

فقط یک نکته مهمی که اینجا وجود دارد و قابل توجه است و طلاب باید به آن توجه داشته باشند، این است که اگر طلبه‌ای دچار مشکلی شد و توانست بر آن فایق آید، می‌تواند به دیگران هم در راه غلبه بر آن مشکل کمک کند. چون طلبه‌ها با مردم سروکار دارند و هر چه تجربه‌های بیشتری داشته باشند، کمک بیشتری می‌توانند به دیگران بکنند. بنابراین هر طلبه‌ای یک مشاور است. وقتی چند نوجوان دبیرستانی نزد طلبه‌ای

می‌آیند و می‌گویند ما برای امتحان اضطراب داریم، اگر او خودش این تجربه را داشته باشد و از راه درست و علمی مشکل خودش را حل کرده باشد، بهتر می‌تواند به آن نوجوانان دبیرستانی کمک کند و اگر لازم شد آنان را نزدیک مشاور متخصص می‌فرستد. نکتهٔ دیگری هم که اینجا وجود دارد، این است که بالاخره طلاب حوزه‌های علمیه و خانواده‌های آنان، الگوی مردم خواهند بود و مردم به کارهای آنها نگاه می‌کنند و زیر ذره‌بین هستند. پس باید رفتارهای آنان به‌تجارب باشد. حال اگر بخواهیم از فایده مشاوره بگوییم از این بعد باید بگوییم فایده مشاوره برای طلاب چندین و چندین برابر است؛ منظورم این است که ما طلبه‌های حوزه‌های علمیه اگر نیازی به مشاوره داشتیم، باید زودتر از دیگران به مشاور مراجعه بکنیم و به درمان و اصلاح خودمان بپردازیم که این روش در میان مردم هم توسعه یابد و الگوی مناسبی برای آنها باشیم. عیب طلبه، ضرب در هزار می‌شود. حسن او هم همین‌طور است. بنابراین هر اصلاحی که در امور طلاب صورت گیرد، مانند موجی قوی و توفنده به سایر اقشار جامعه هم دامن می‌کشد و ما بیشترین سود را می‌بریم.

از آیت‌الله مصباح نقل شده است که فرموده‌اند: خواندن مقطع کارشناسی از روان‌شناسی و یا مشاوره، بر هر طلبه‌ای واجب عینی است. این یک حرف خیلی بزرگی است. از ایشان سؤال کردیم منظور شما چیست؟ و چرا؟ فرمودند که ما طلبه‌ها با روح و روان، دین و آینده مردم سرو و کار داریم. ما مرکز رجوعیم. آثار سوء خطاهای ما فقط به خود ما برنمی‌گردد؛ جامعه را هم در برمی‌گیرد.

زندگی صنعتی، نیاز به مشاوره را دوچندان کرده است. اگر طلبه‌ها اصول اولیه مشاوره را ندانند، توفیق چندانی در تبلیغ نمی‌یابند. بر این اساس، آیت‌الله مصباح، معتقدند که هر طلبه‌ای، یک دوره را باید بگذراند و در حد کارشناسی باید بداند. حداقل لازم است ده واحد در زمینه‌آشنایی با اصول اولیه مشاوره، اختلالات و بهداشت روان را بیاموزد. این مقدار از آشنایی لازم است و باید در پایه‌های ۵ تا ۷ گنجانده شود. در این مورد بارها صحبت شده اما متأسفانه تاکنون عملیاتی نشده است. امیدواریم در آینده عملیاتی شود. من فکر می‌کنم این مقدار از دانش روان‌شناسی و مشاوره، آثار تبلیغی و توانمندی تبلیغی طلاب را به‌طور تصاعدی بالا می‌برد.

محمدرضا احمدی؛ حوزه هم مانند دیگر مراکز آموزشی نیازمند مشاوره‌های تحصیلی و آموزشی است. این مشاوره‌ها می‌تواند طلاب جوان را بهتر و سریع‌تر به اهداف تحصیلی‌شان برساند. بسیاری از طلاب به‌خصوص افرادی که در سنین نوجوانی وارد حوزه می‌شوند، شدیداً نیازمند مشاوره‌های تحصیلی هستند. از طرف دیگر مجتمع‌های آموزشی شبانه‌روزی مسائل و مشکلات خاص خود را دارند. در این مراکز حضور مشاوران با تجربه می‌تواند در کنار برنامه‌های آموزشی و تربیتی، از بروز بسیاری از مشکلات پیشگیری کند. مجتمع‌های آموزشی شبانه‌روزی حوزه از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین چنین مدارسی نیازمند مشاوران تیزبین و دارای توانایی ارتباطی قوی است؛ تا به حل و فصل مسائل مختلف عاطفی و رفتاری طلاب اقدام نمایند.

تعدد گرایش‌های علوم انسانی در حوزه و تخصصی شدن علوم حوزوی، طلاب را در انتخاب یکی از آن رشته‌ها و گرایش‌ها با سردرگمی فراوان روبه‌رو کرده است. بسیاری از طلاب توانمندی و استعداد خود را نمی‌شناسند، نیازها و اولویت‌های زمان را نمی‌دانند و برای تعیین و تشخیص زمینه مطالعاتی و تخصصی خود دچار مشکل و سردرگمی هستند. مشاوران می‌توانند کمک خوبی برای این طلاب باشند. هم توانمندی و استعداد طلاب را به خودشان گوشزد کنند و هم بازدهی و ثمربخشی حوزه‌ها را تسریع و تسهیل کنند.

خانواده‌ها، همسران، فرزندان طلاب و روحانیون نیز همچون سایر اقشار جامعه با برخی مشکلات و معضلات و نابه‌سامانی‌های خانوادگی، عاطفی، ارتباطی و... روبه‌رو هستند. گسترش فرهنگ مشاوره تخصصی و اصطلاحی در حوزه و خانواده‌های طلاب و روحانیون می‌تواند به کاهش آن ناسازگاری‌ها بینجامد. البته برخی مسائل چون درون‌حوزوی است باید به شکل درون‌حوزوی نیز شناسایی و حل شود. اگر مراکز مشاوره حوزوی با کارشناسان و متخصصان و مشاوران حوزوی گسترش یابد، طلاب و روحانیون و خانواده‌های محترم آنها راحت‌تر و بهتر می‌توانند به بیان آن نقاط ضعف و نیازمندی‌های خود پرداخته و به کمک مشاوران حاذق حوزوی به حل آن اقدام نمایند.

ثمره دیگر مشاوره در حوزه‌های علمیه، آشنایی روحانیون با روش‌ها، فنون و تکنیک‌های مشاوره و درمان است. روحانیون در طول دوران خدمت و ارائه معارف دینی و اخلاقی به مردم به خوبی می‌توانند نقش یک مشاور تأثیرگذار را در حل مسائل و مشکلات افراد داشته باشند. زیرا همان‌طور که در پیشینه فعالیت‌های فرهنگی حوزه‌های

علمیه و روحانیون گفته شد، مردم به راحتی با آنها ارتباط برقرار کرده، از آنها طلب یاری می کنند. حال اگر روحانیون در طی دوران آموزش از اصول و قواعد مشاوره و نیز روش ها و فنون مشاوره تخصصی آگاهی بیشتری پیدا کنند، در امر سلامت و بهداشت افراد و مراجعان و عموم مردم، نقش مهمی خواهند داشت و از این رهگذر به تعمیق باورهای دینی جامعه هم کمک بسیاری خواهد شد.

علی نقی فقیهی: یکی از وظایف اصلی طلبه ها، تبلیغ دین و هدایت مردم است. از روایات بر می آید که مشاوره درست و با ضوابط عین هدایت است و باعث هدایت هم می شود. مشاوره باعث می شود که فرد راه خطا را از صواب تمیز بدهد. در مشاوره، انسان توانایی های خود را بازمی یابد و لغزهایش را می شناسد و به سمت اصلاح آنها می رود.

غیر مسائل حاد و خاصی که ممکن است برای برخی از طلاب پیش بیاید، تقریباً همه طلبه هایی که وارد حوزه می شوند، نیاز به مشاوره دارند تا راه درست را انتخاب کنند و آنچه را قرار است ۲۰ سال دیگر بفهمند، در همان ماه ها و روزهای نخست ورود به حوزه بفهمند و استعدادشان را هدر ندهند. وقتی طلبه ای در میان سالی یا پیری می فهمد که باید از ابتدا یک راه دیگر را می رفت و مثلاً بهتر بود که در رشته دیگری تحصیل می کرد، هم خودش زیان دیده است هم حوزه. چرا از روز اول آن طلبه، نداند که استعدادش چیست و حوزه چه امکاناتی دارد و او باید چه کند و چگونه رفتار کند و هر چه که باید با زحمت و خسارت بفهمد، چرا در یک جلسه مشاوره نداند؟ جلوی این خسارت ها را باید گرفت و من گمان می کنم گسترش جلسات تخصصی مشاوره در حوزه، اکنون به مرز ضرورت رسیده است.

نظام و سازمان مدیریت مشاوره در حوزه های علمیه از چه ساختاری باید پیروی کند؟ محمد مهدی صفورایی یازی: در سازمان های دانشگاهی، مدیریت مشاوره زیرمجموعه معاونت دانشجویی است و در بعضی از مراکز حوزوی که معاونت دانشجویی ندارند، مثل جامعه المصطفی و یا مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) که معاونت فرهنگی دارند، مدیریت مشاوره و پیگیری کارهای مشاوره در کلینیک و مدارس قم و مدارس تابعه در خارج از قم زیرمجموعه معاونت فرهنگی است. در حوزه اگر معاونت تهذیب، معادل

معاونت فرهنگی باشد به طور طبیعی بهترین جا همین معاونت تهذیب است. مراکز مشاوره حوزه، اگر زیرمجموعه معاونت تهذیب قرار بگیرد، بهتر از معاونت‌های آموزش و پژوهش است.

در راه‌اندازی و ارائه خدمت هر مدیریت یا مجموعه‌ای که بخواهد خدمات مشاوره‌ای یا روان‌درمانی ارائه کند، مهم‌ترین بخشش منابع انسانی و اساتید مشاور است. مشاوره و روان‌درمان‌گری، حیطه‌های مختلفی دارد. ما باید اساتیدی متخصص و متبحر در حیطه‌های مختلف داشته باشیم تا تلاش ما با موفقیت همراه شود. مثلاً اگر بخواهیم در زمینه درمان وسواس و یا افسردگی به یاری طلاب بشتابیم، باید حداقل تا کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی را طی کنیم تا بتوانیم خدمات درمانی ارائه دهیم. طلبه‌ای که درس خارج را هم خوانده است ولی تحصیلات روان‌شناسی ندارد و در این زمینه‌ها کار نکرده است، چگونه می‌تواند مثلاً بیماری وسواس یا اضطراب را در مردم درمان کند؟ یا رذیله‌هایی مانند سوءظن به دیگران و انواع توهمات را شناسایی و مداوا کند؟ حتی مشاوره ازدواج یک تخصص است، یک هنر است و این طور نیست که هر کسی بتواند در این مسئله به مردم کمک کند. ممکن است حتی اوضاع را وخیم‌تر هم بکند. مشاوره حقوقی هم داریم، مشاوره پزشکی هم داریم. لذا باید از پزشک هم کمک بگیریم، از حقوق‌دان هم کمک بگیریم، تا تیم درمانی و مشاوره‌ای قوی داشته باشیم. برای مشاوره تحصیلی که بسیار مهم است باید از کسی که تکنولوژی آموزشی - تحصیلی را می‌داند، استفاده کنیم. معمولاً رسم است که کلینیک مرکزی که یک مرکز درمان است، به کل حوزه سرویس دهد و همه این بخش‌هایی که ذکر کردم، تخصص‌هایی است که در آنجا مستقر است. بخش مدرسه‌ای در خارج از قم هم داریم. هر مدرسه‌ای باید به تعداد سرانه طلاب مشاوره داشته باشد و موارد حاد را به کلینیک ارجاع دهد. در شهرستان‌ها هم همین‌طور، اگر امکان ایجاد کلینیک باشد ما باید کلینیک ایجاد کنیم و همه مدارس مشاور و روان‌درمان‌گر و سایر نیروهای مشاوره را داشته باشد.

هر مرکز و مدیریت مشاوره‌ای، لازم است دو بخش پژوهش و دانش‌افزایی را نیز داشته باشد؛ چراکه هر کاری نیاز به پشتوانه پژوهشی دارد. مسئولیت این بخش مثلاً بررسی و آمارگیری از مسائلی مانند طلاق و مهاجرت، و علت آنها است. اطلاعات حاصل از این بخش، باید در قسمت آموزش و دانش‌افزایی مد نظر قرار گیرد. مثلاً اگر به این نتیجه

رسیدیم که ده درصد از طلاق‌ها و اختلافات خانوادگی به دلیل ناهمگونی سنی زن و مرد بوده است، در مشاوره‌ها باید روی این مسئله تکیه کنیم و پیامد این گونه ازدواج‌ها را به طلاب بگوییم. به هر حال طلاب برای اینکه بتوانند مبلغان موقفی برای دین باشند، باید غیر از عربی و منطقی و فقه و کلام، اطلاعات و آمادگی‌های دیگری هم داشته باشند. طلبه‌ای که خودش دچار افسردگی است یا طلبه‌ای که اصلاً با پدیده‌ای به نام افسردگی و اضطراب آشنایی ندارد، چگونه می‌تواند به میان مردم رود و در آنان تأثیرات ماندگار بگذارد.

باید یک اداره‌ای، دفتری، گروه متخصص و ویژه‌ای داشته باشیم که دانش روان‌شناختی، بهداشت روان خانواده طلاب را تأمین کند. حالا یا با کارگاه‌هایی که در سطح مدارس برگزار می‌کند یا با کلاس‌های آموزشی یا از طریق جزوات و بروشورها، مجلات و یا از هر طریق دیگری. چرا ما در حوزه علمیه نباید یک مجله ویژه خانواده‌ها، یک مجله ویژه مشاوره، یک مجله ویژه بهداشت روان و درمان و روان‌درمانی داشته باشیم که در خانه‌ها طلبه‌ای برود و مشاور همیشه در دسترس آنها باشد؟ این کار مرکز مشاوره است. ما نباید به جزوات دم‌دستی و مختصر اکتفا بکنیم. درنامه‌های واحدهای بهداشت روان و مشاوره را چه کسی باید بنویسد؟ خود حوزه باید بنویسد. کارشناسان خود مرکز مشاوره باید بنویسند و یا با استفاده از دیگر کارشناسان تألیف کنند.

محمدحسین شریفی‌نیا: اولین نیازی که در این زمینه احساس می‌شود، تغییر نگرش مسئولین حوزه، متصدیان امر و احساس ضرورت پرداختن جدی به امر مشاوره در حوزه است. تا وقتی این باور عمومی ایجاد نشود که طلاب و روحانیون هم مانند سایرین دچار مشکل می‌شوند، و باید به صورت علمی و فنی این مشکلات را برطرف کرد و برای این کار ما نیاز به نیروی متخصص، سرمایه‌گذاری و تأمین امکانات و ابزار داریم، هیچ کاری انجام نخواهد گرفت. در طول این سال‌ها هم متناسب با سطح نگرشی که بوده است، کاری انجام شده است؛ اما به عقیده من یکی از مشکلات اساسی ما در همین زمینه است که هنوز به صورت کامل و قاطع در سطح مسئولین بلندپایه حوزه احساس نیاز نشده است. باید با گفت‌وگو، تعامل، رایزنی و بیان مشکلات و برجسته‌سازی پیامدهای وخیم و عواقب ناگوار این مشکلات در حوزه، آقایان را متوجه کرد که مشاوره از نان شب هم برای حوزه ضروری‌تر است. ما این همه در حوزه انرژی، هزینه و نیروی انسانی صرف کارهایی

می‌کنیم که خیلی ضرورت ندارد. البته در جای خودش خوب است؛ اما واقعاً چه فایده‌ای دارد که طلبه‌های ما آخرین نظریه‌های اقتصادی را بدانند، اما الفبای مشاوره و راه‌های حل مشکلات خودشان را ندانند؟ باید ذهن آقایان را متوجه اهمیت موضوع کرد. علمای ما باید فکر کنند که مثلاً قوم موسی را چه چیزی منحرف کرد؟ انحرافات روحی یا غلط‌های علمی؟ آنان گرفتار آسیب‌های رفتاری بودند. آسیب‌ها قبل از اینکه سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی باشند، رفتاری و روحی‌اند. آسیب رفتاری را باید با مشاوره و روان‌درمانی حل کرد.

به نظر من باید انجمن روان‌شناسان حوزه و هر طلبه‌ای که روان‌شناسی خوانده است، باید در حوزه به عنوان یک وظیفه، ذهن بزرگان حوزه را نسبت به ضرورت مشاوره و روان‌شناسی روشن بکنند. متأسفانه روان‌شناسی و مشاوره که اساسی‌ترین نیاز حوزه است مظلوم‌ترین و غریب‌ترین دانش هم در حوزه است. حوزه از جهت منابع، ابزار و امکانات و خدمات، کمبود مهمی ندارد. بودجه‌های سرگردان را باید به این سو هدایت کرد؛ و گرنه صرف کارهای بیهوده می‌شود، صرف برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌هایی می‌شود که از درون آنها هیچ چیز بیرون نمی‌آید.

در گام دوم، باید کسانی را که در زمینه روان‌درمانی و مشاوره صاحب‌نظرند و با ساختار حوزه هم‌آشنایی دارند، دعوت کنیم که از نو ساختار مناسبی را برای این امر مهم در حوزه پی‌ریزی کنند. الان حوزه از تعداد قابل توجهی روان‌شناس برخوردار است. اما ضرورت دارد در سازمان‌دهی نظام مشاوره در حوزه از متخصصان دانشگاهی هم استفاده کنیم. منظورم از نگاه علمی و کارشناسی، این است که هر کسی به خودش اجازه دخالت در فرایند مشاوره و تصمیم‌گیری‌ها را در این ساختار ندهد؛ هر چند که جایگاهش در حوزه رفیع باشد.

گام بعد، تخصیص اعتبارات و امکانات لازم برای فراهم آوردن مقدمات کار است. گام چهارم، پذیرش و استخدام و جذب نیروی کارشناس و توانمند در ابعاد مختلف از بازی‌درمانی کودکان تا روان‌درمانی کهنسالان، از زنان تا مردان، در ابعاد مختلف است.

در کنار این فعالیت‌ها، فعالیت‌های پژوهشی گسترده‌ای همراه با اقدامات درمانی است. در واقع حوزه نیاز به تأسیس یک مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی در زمینه مسائل

روان‌شناختی دارد که باید این مرکز بسیار وسیع، گسترده، با امکانات فراوان، نیروی انسانی کارآمد و با یک نگاه کاملاً علمی و تخصصی تأسیس شود.

محمدرضا احمدی: به نظر می‌رسد در کنار سایر بخش‌های مدیریتی حوزه‌های علمیه همچون آموزش، تهذیب و... وجود مراکز مشاوره خواهند توانست به ارائه خدمات مشاوره‌ای در تمامی زمینه‌ها به طلاب و روحانیون بپردازند. بنابراین چه خوب است تمام مراکز و مدارس مجهز به واحدی یا مرکزی برای مشاوره باشند تا در طول دوران تحصیل به مشکلات و مسائل رسیدگی کنند.

علی نقی فقیهی: مشاوره باید تحت ضوابط مقرر و ثابتی قرار بگیرد تا از ابتدایی که طلبه، طلبه می‌شود، برای او پرونده مشاوره‌ای وجود داشته باشد؛ همان‌طور که الان در دانشگاه‌ها هر دانشجویی یک پرونده عمومی دارد و یک پرونده خاص.

در حوزه، مشاوره‌ای می‌تواند نقش اساسی داشته باشد که پیشگیرانه است. یعنی طلبه‌ها را طوری هدایت بکنند که مشکلی پیش نیاید. البته باید برای درمان هم مراکز داشته باشیم؛ همان‌طور که الان هم - الحمدلله - داریم. منتها باید با تخصص‌های عالی‌تر باشد.

چون مراکز مشاوره حوزوی، نهاد نوپا و جدیدی است، شاید هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته باشند؛ اما به هر روی روزی باید این نهاد به چنان رسمیت و جایگاهی برسند که الان مثلاً معاونت پژوهشی آن جایگاه را دارد. منظورم این است که باید به این سمت حرکت کنیم که مشاوره را بسیار جدی بگیریم؛ چون انصافاً فواید و پیامدهای حیاتی برای ما دارد.

محمدحسین حق‌جو: برای اینکه بتوانیم مشاوره را از یک نظام و سامانه درستی بهره‌مند کنیم، باید نخست به وحدت رویه برسیم؛ حتی در مسائل اعتقادی و اخلاقی. ما الان در بعضی از سیستم‌ها و بعضی مراکز و سامانه‌های پاسخ به سؤالات می‌بینیم که یک سؤال را این‌آقا یک‌طور جواب می‌دهد و آن‌آقا طور دیگر جواب می‌دهد. چون وحدت رویه نیست، چارچوبی در کار نیست؛ نه در مسائل اخلاقی، نه در مسائل عقیدتی، نه در مسائل سیاسی و نه مسائل تربیتی.

راهکار دوم این است که رویکرد دینی و علمی مشاورین را به این سمت و سو ببریم که در عین حال که مشاوره آنها دینی است، از مبانی علمی هم بی بهره نباشند. مثلاً برخی مراجعان می‌گویند، تفاهم در زندگی نداریم و دنبال طلاق تفاهمی‌اند. بعد از چند جلسه مشاوره معلوم می‌شود که آن دو از نظر اصول دینی و اصول عقلی و اصول بینشی و منشی مشکل ندارند؛ بلکه این آقا یا خانم یک مشکل روحی دارد. مثلاً اختلال غدد دارد؛ غده تیروئیدش اختلال دارد و این اختلال موجب می‌شود که عصبانی بشود، موجب پرخاشگری می‌شود. اما مشکل تفاهم اخلاقی ندارد. با چند تا دارو، قرص و چند مرحله ویزیت، درمان می‌شود. بعد از درمان، مشکلاتشان هم حل می‌شود و به تفاهم هم می‌رسند. اصلاً بحث تفاهم نبوده است.

یا کسی مراجعه می‌کند و می‌گوید من دیگر به درد حوزه نمی‌خورم! برای اینکه سر کلاس خوابم می‌برد، مطالعه می‌کنم، خوابم می‌برد، صبح دیر از خواب پا می‌شوم... بررسی که می‌کنیم می‌بینیم او دچار افت فشار است. کمبود آهن دارد. این مشکلات که ربطی به انگیزه ندارد. این یک مشکل جسمی است که در مشکل آموزشی تأثیر گذاشته است.

این است که ما باید در نظام و سازمان مشاوره حوزه علوم مختلف را در مشاوره دخالت بدهیم. یک تیم پزشکی تشکیل دهیم. یک روان‌پزشک، روان‌شناس، یک پزشک عمومی و یک کارشناس حقوقی. گاهی مشکلاتی که ما فکر می‌کنیم مشکلات‌اند، فقط یک بیماری ساده‌اند که با مراجعه به یک پزشک عمومی هم حل می‌شود. تیم مشاوره‌ای برای طلاب باید این تخصص‌ها یا متخصصانش را در اختیار داشته باشند که با جامعیت بیشتری به طلاب و حوزه خدمت کنند.

چه اقداماتی در رابطه با مشاوره اسلامی صورت گرفته است و وضعیت کنونی مشاوره اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟

محمد مهدی صفورایی پاریزی؛ من اصطلاح مشاوره اسلامی را به کار نمی‌برم و ضرورتی هم ندارد. اگر بگوییم برای بحث‌های مشاوره، به‌ویژه مشاوره به سبک امروزی و در حیطه علم روان‌شناسی، چه مقدار دست به دامن اسلام و منابع دینی و آموزه‌های دینی شده‌ایم و چه قدر استفاده کرده‌ایم، بهتر است.

اما در مجموع وضعیت خوب نیست. چون هنوز فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها به اندازه کافی از منابع دینی استفاده نمی‌کنند و مشاوره‌هایی که می‌دهند، در بسیاری از موارد از فرهنگ اسلامی و معیارهای دینی بیگانه است. هرچند کارهای ارزنده و مفید و بسیار خوبی انجام شده است و ناسپاسی نباید کرد، ولی هنوز اول راهیم و مشاوره‌های فارغ التحصیلان دانشگاه‌های ما، از منظر دینی ضعیف است.

البته فارغ التحصیلان روان‌شناس حوزه‌های علمیه چون با منابع دینی آشنا هستند، از این جهت وضع بهتری دارند. مثلاً اگر شخصی به یک طلبه روان‌شناس مراجعه کند و بگوید من خودارضایی دارم، یک راهنمایی می‌گیرد و اگر همین مشکلتش را با برخی روان‌شناسان دانشگاهی در میان بگذارد، شاید پاسخ و راهنمایی دیگری بشنود. به همین دلیل می‌گویم باید هر چه زودتر هسته‌های مشاوره با حضور طلاب روان‌شناس تشکیل شود؛ نقطه شروع هم باید خود حوزه‌ها باشد.

محمدحسین حق‌جو: ما یک فاصله واقعی داریم با عرصه‌های مراکز علمی و آن اینکه امکاناتی که حوزه و رویکردی که حوزه نسبت به فارغ التحصیلانش، دانش‌آموختگانش دارد با دانشگاه خیلی متفاوت است. مثلاً در برخی مراکز مشاوره، بابت ۳۰ دقیقه گفت‌وگو، ۱۲۰/۰۰۰ تومان می‌گیرند و اگر ۳۵ دقیقه طول بکشد، جلسه دوم محسوب می‌شود و نرخ آن هم ۲۰۰/۰۰۰ تومان است. در حوزه، این ارقام، بی‌معنا است. ما گاهی می‌خواهیم از استادان دانشگاه دعوت کنیم که برای آموزش یا جلسه به قم بیایند یا ما خدمتشان برویم. چگونه می‌توانیم حق‌التدریس یا حق‌الجلسه استادی را بپردازیم که اگر همین مدت را در مطبخ بنشینند چند صد هزار تومان درآمد دارد؟ حوزه قادر به پرداخت این هزینه‌ها نیست.

نکته دوم خود فضا است. فضاهایی که ما برای این‌گونه امور استفاده می‌کنیم، تناسبی با فضاهای علمی مدرن ندارد. امکاناتی که آنها دارند ما متأسفانه نداریم. فضای بسیاری از دانشگاه‌ها به دلیل امکانات بسیارشان، با نشاط و شاد است.

نکته سوم از چالش‌هایی که با آن مواجه هستیم، بحث امکانات فنی است. ما خیلی از امکانات فنی را اینجا احتیاج داریم که آقایان اسمش را هم نمی‌دانند و تناسب او را با این هم نمی‌دانند.

علی نقی فقیهی؛ روی مشاوره اسلامی خیلی کار نشده است. شاید اولین کتابی که در این زمینه نوشته شد، همین کتاب خود من باشد که تحت عنوان مشاوره در آینه علم و دین در سال ۱۳۷۵ چاپ شد و تاکنون چند بار هم تجدید چاپ شده است؛ همراه با اضافات.

اگر ما بخواهیم در این زمینه کار بکنیم باید به صورت تیمی کار بکنیم؛ یعنی اینکه تمام متون دینی را با آن گرایش مشاوره‌ای و دید مشاوره‌ای بنگریم. باید تیمی تشکیل بشود که با آن هدایت علمی مشاوره روی متون برای استنباط از متون دینی شکل بگیرد و در حقیقت مبانی مشاوره از دیدگاه دینی روشن باشد، اصولش مشخص باشد، روش‌های کلی آن مشخص باشد، تکنیک‌ها و فنون ریز باید به صورت دستورالعمل درآید.

مشاوره اسلامی هنوز مدون نیست. یکی از کمبودهای ما نداشتن تکنیک‌های دینی و بومی است. بسیاری از مشاوران ما هنوز همان تکنیک‌های غربی را به کار می‌گیرند؛ منتها سعی می‌کنند که منطبق با دین باشد یا مخالف دین نباشد. اما این مشاوره اسلامی نیست؛ مشاوره اسلامی این است که از متن دین استخراج بشود، مبانی و اصولش برگرفته از متون دینی باشد، تمام تکنیک‌ها و دستورالعمل‌هایش مورد آموزش قرار بگیرد و جلسات مشاوره بر اساس آن برگزار شود. این مراحل هم بدون سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح، تحقق نمی‌یابد. باید به مسئله این طور نگاه کنیم که برآوردن حاجات مؤمن، چقدر نزد خداوند، ارزشمند است. حاجات مؤمنین هم فقط نان و آب و مسکن نیست. همین جلسات مشاوره، بسیاری از اوقات از نان شب برای طلاب واجب‌تر است. پس نباید از سرمایه‌گذاری‌های کلان دریغ کرد.

محمدرضا احمدی: می‌توان گفت ابتدای راه هستیم و علی‌رغم برخی فعالیت‌های پراکنده و کوتاه، هنوز زیربناهای آن به شکل عمیق و گسترده تدوین و ارائه نشده است و نیازمند مطالعات و پژوهش‌های عمیق‌تر و وسیع‌تری هستیم. همایش‌هایی نیز در این زمینه و با تکیه بر مبانی دینی برگزار شده است، ولی هنوز در حال برداشتن گام‌های اول ایم.

چه موانع و چالش‌هایی را پیش روی مشاوره در حوزه‌های علمیه می‌بینید؟

محمدحسین شریفی‌نیا؛ مانع اول، غفلت از نیاز به مشاوره است. این بزرگ‌ترین چالش فراروی روان‌شناسی در حوزه است. مانع دوم، نگاه تحقیرآمیز به دانش روان‌شناسی به عنوان یک دانش غربی است. علوم جدید در حوزه تا حدودی علوم وارداتی و غربی محسوب می‌شوند. درباره روان‌شناسی، این نگاه منفی و بدبینانه، شدیدتر است. مانع سوم، ان قلت‌های فقهی یا احکامی است که معمولاً در فعالیت مشاوره‌ای پیش می‌آید. البته این ان قلت‌ها در همه جا پیش می‌آید، ولی در اینجا چون به مسائل خصوصی آدم‌ها مربوط است، خیلی برجسته‌تر می‌شود.

چالش بعدی مسئله فراهم آوردن امکانات، ابزار و نیازمندی‌ها است. مشکل پنجم، حس و ادعای صاحب‌نظری که در برخی مسئولان است. هر کسی خودش را مجاز می‌داند که در هر مرحله‌ای دخالت بکند. آسیب بعدی، کمبود آموزش‌های تکمیلی در میان تحصیل‌کردگان این رشته در حوزه است. دوستان باید تجربه عملی و میدانی هم پیدا کنند و عملاً کارآمدی خود را ثابت کنند. در این صورت، نگرش‌ها به روان‌شناسی و مشاوره هم دگرگون خواهد شد.

محمد مهدی صفورایی‌پاریزی؛ من در این دوازده یا سیزده سالی که کارهای مشاوره و درمان کرده‌ام، عقیده‌ام این است و به یقین رسیدم که هیچ چالش و مانع بزرگی برای رشد، شکوفایی و ارائه خدمات مشاوره‌ای، درمانی و روان‌درمانی وجود ندارد؛ جز کمبود متخصص. مقداری هم باید جو حوزه را برای مشاوره‌پذیری آماده‌تر کنیم. هنوز برای استفاده از مشاوره در میان طلاب و خانواده‌های آنان به اندازه کافی فرهنگ‌سازی هم نشده است. اگر به قدر کافی متخصص باشد و طلاب هم توجیه شوند، مطمئناً حمایت‌ها هم بیشتر خواهد شد و مشکل بودجه هم حل می‌شود.

به هر حال همه مردم در سرتاسر کشور، کم‌کم به مراکز مشاوره تمایل پیدا کرده‌اند و این تمایل در حوزه‌ها هم رو به فزونی است. روزی خواهد رسید که شمار مراجعان به قدری خواهد شد که هزار تا مشاور متخصص هم کم باشد. آرمان ما این است که همه طلبه‌ها فن مشاوره را بیاموزند و هر جا که طلبه‌ای هست، مردم برای مشورت گرد او جمع شوند و جواب بگیرند؛ اما اگر این هم ممکن نیست، حداقل باید

شمار طلبه‌های متخصص و روان‌شناس به عددی برسد که جواب‌گوی فعلی نیازهای اولیه باشد.

بنابراین کمبود اصلی، متخصص است و گمان می‌کنم با رفع این کمبود، مشکلات دیگر زودتر و آسان‌تر حل می‌شوند.

علی‌نقی فقیهی: به نظر من بزرگ‌ترین مانع در حوزه در امر مشاوره، ناآگاهی است. یعنی کسانی که باید بدانند مشاوره چه نقشی و پیامدهایی دارد و چه وظایفی را از دیدگاه دینی بر عهده حوزه می‌گذارد، توجه ندارند. گاهی از حوزه درخواست مشاور می‌شود. برخی گمان می‌کنند باید کسی را بفرستند که احکام و معارف می‌داند و کافی است. اما مشاور کسی است که تکنیک‌های روان‌شناختی را می‌داند و تا کسی روان‌شناسی نخوانده باشد، نمی‌تواند به صورت عملی به کسی کمک کند. ممکن است خوب حرف بزند؛ اما مشاوره فقط سخنرانی نیست.

خداوند در قرآن می‌فرماید ما پیامبران را برای تعلیم و تربیت مردم فرستادیم. آیا پیروان پیامبران هم وظیفه‌ای جز این دارند؟ پس باید در حوزه به تربیت هم اهمیت بدهیم؛ حتی بیش از تعلیم. تربیت، با نصیحت و معلم اخلاق، درست نمی‌شود. به نظر من مشاوره از ارکان تربیت است و مشکل اصلی هم این است که هنوز جایگاه و اهمیت آن برای همه روشن نشده است.

آیا آموزه‌ها و تعالیم دینی قابلیت استخراج روش و اصول مشاوره را دارند؟

محمد رضا احمدی: پاسخ من به این سؤال، مثبت است. برای اثبات آن از سه مقدمه کمک می‌گیرم:

۱. دین و آموزه‌های آن آمده است که زندگی انسان را از تمام جنبه‌ها مورد توجه قرار دهد و برای آن برنامه دارد و به عبارتی در بردارنده تمام نیازهای بشری است.
۲. از متون دینی استفاده می‌شود که خداوند برای هدایت انسان‌ها دو منبع اساسی در اختیار او قرار داده است: عقل و شرع.
۳. عقل بشر به تنهایی قدرت درک تمام ماهیت و ویژگی‌های انسان را ندارد و امکان رسیدن و حرکت مطلوب به سوی هدف را ندارد.

بنابر این باید آموزه‌های دینی و دستورالعمل‌ها و اصول و قواعد کلی دین را مبنا و پایه‌ی شناخت و حرکت به سوی هدف قرار دهیم. با تکیه بر تعالیم و آموزه‌های دینی و بر اساس اصل تفاوت‌های فردی و با کمک توان عقلانی و تجربه‌های بشری، می‌توان اصول و فنون و نیز روش‌های مشاوره‌ی دینی را شناسایی کرد و به کار گرفت.

محمدحسین شریفی‌نیا: در منابع دینی ما غنای فراوانی برای اصلاح رفتار به چشم می‌خورد. در حقیقت پیامبر و ائمه‌ی معصومین - علیهم‌السلام - مهم‌ترین هدف‌شان اصلاح نفوس و تهذیب انسان‌ها است. برای اصلاح نفوس و تهذیب انسان‌ها، نیاز به دانش الهی است که برترین دانش‌ها است. به لطف خداوند در این زمینه ما مشکلی نداریم. اما روی منابع به اندازه‌ی کافی کار نشده است. بخش عمده‌ای از این منابع تا کنون به صورت مواد خام باقی مانده و تبدیل به فرآورده‌ی قابل استفاده نشده است.

ما در صورتی می‌توانیم این منابع و مواد اولیه را تبدیل به کالاهای قابل استفاده بکنیم که ابزارهای مناسب را هم داشته باشیم؛ ابزارهایی که این مواد خام را تبدیل به محصولات نهایی کنند. مواد خام کافی نیست؛ کارخانه و پالایشگاه هم باید باشد. کسی که برای حل مشکلات رفتاری، سراغ آیات و روایات می‌رود، باید علوم جدید روان‌شناسی را به معنای دقیق و اتم کلمه بداند تا بر اساس آنها مواد خام را تبدیل به مواد قابل استفاده در زمینه‌های رشد بکند.

مسئله‌ی دیگر، توجه به زمان و مکان در توصیه‌های مشاوره‌ای است. توصیه‌های مشاوره‌ای باید منحصر به فرد باشد؛ یعنی دو نفری که به عنوان مشاور و مراجع در یک فضا قرار می‌گیرند، با توجه به زمینه‌ها و شرایط خاص خود، گفت‌وگو می‌کنند و باید راه‌حل‌هایی بیابند که در عین برخورداری از بخش‌های عمومی، اختصاصاتی هم داشته باشد. یعنی بخشی از آن مربوط به همین فرد باشد. در امر مشاوره، باید اهل اجتهاد هم بود. بسیاری از روایات ما، سخنانی بوده‌اند که امامان (ع) در جلسات خصوصی مشاوره‌ای، به کسی گفته‌اند. تعمیم آن، باید همراه اجتهاد باشد و گاهی نمی‌شود عین همان جمله را در مشاوره‌ای دیگر به کار گرفت. خود روایات شریف نیز ما را از تسری‌ها و تعمیم‌های بی‌دلیل منع کرده‌اند.

محمد مهدی صفورایی پاریزی: این سؤال، به این شکل شاید درست نباشد. معنای «استخراج» این است که ما باید تلاش کنیم و از درون آموزه‌های دینی چیزی را بیرون بکشیم؛ اما اگر ما فقط یک سری به میزان الحکمه یا منتخب میزان الحکمه بزنیم و فقط موضوع مشاوره و مشورت را نگاه کنیم، روایات بسیار می‌بینیم که مربوط به بحث مشاوره است و روش و اصول مشاوره را بیان کرده است. بنابراین نیاز به کاوش‌گری‌های کذایی نیست.

علی نقی فقیهی: به نظر من وجود دارد و پیشنهادم این است که گروهی کار کنیم. کارهای فردی هم جواب می‌دهد، اما گروهی بهتر می‌توان به نتیجه رسید. کار فردی در موضوعات جدید و بکر، طاقت فرسا است. یکی از خالهایی که من احساس کردم در حوزه وجود دارد، مسئله «تربیت جنسی» است. بنابراین شروع کردم به تحقیق و نگارش کتابی در این موضوع. هم کار دشواری بود و هم نیاز به جرئت و جسارت داشت. من کوشیدم در این کتاب، همهٔ مسائل را از منظر دینی بررسی کنم؛ اما به هر حال کار بزرگی است و گمان می‌کنم باید تیم‌های تحقیقاتی در موضوعات مهم و ظریف وارد شوند.

پس قابلیت استخراج از تعالیم دینی وجود دارد. منتها باید دستورالعمل‌های کلی را از مبانی بگیریم. پس اول مبانی را از دین استخراج می‌کنیم و استخراج مبانی زمینه را فراهم می‌کند که دستورالعمل‌ها را از آن استنباط کنیم. از هر اصلی ده‌ها و صدها روش و تکنیک را می‌شود استخراج کرد.

چه ارتباطی بین مشاوره و تعلیم و تربیت وجود دارد؟

محمد مهدی صفورایی پاریزی: مشاوره یکی از ابزارهای تعلیم و تربیت است. ما از طرق مختلف تعلیم و تربیت می‌شویم. کتاب، فیلم، سخنرانی، مقاله، اینترنت و... همه در ما اثر دارند و ما از آنها اطلاعات می‌گیریم. اما اطلاعات و مسائلی هم هست که فقط در جلسات خصوصی مشاوره به دست می‌آید؛ زیرا آموزش‌هایی مانند آنچه از کتاب و سخنرانی می‌گیریم، عمومی است، ولی مشاوره در خصوص ما است؛ دربارهٔ ما است؛ برای ما است. پس دقیق‌تر است و بر نیازهای ما منطبق‌تر.

محمدحسین حق‌جو: می‌تواند مشاوره مقدمه تعلیم و تربیت باشد و می‌تواند خود مشاوره تعلیم و تربیت باشد و طبعاً همان ویژگی‌هایی که در تعلیم و تربیت باید لحاظ بشود می‌شود آن ویژگی‌ها در مشاوره هم باشد و به عکس، یعنی ما اگر واقعاً یک سازمان مشاوره محکمی حتی در مدارس و دانشگاه‌هایمان و حوزه‌هایمان داشته باشیم این همه افت تحصیلی نخواهیم داشت؛ این همه افت انگیزه نخواهیم داشت؛ این همه مشکلات آموزشی نخواهیم داشت.

علی‌نقی فقیهی: مشاوره نوعی تربیت است. در تربیت ما استعداد فرد را شناسایی می‌کنیم و زمینه را فراهم می‌کنیم برای اینکه این استعدادها بالقوه فعلیت بیابند. در مشاوره یکی از کارهایی که صورت می‌گیرد، شناخت مشکل فرد است؛ یکی هم شناخت خود فرد است. اینکه خود فرد چه قوت‌هایی دارد، چه ضعف‌هایی دارد، چه ضعفی باعث بروز این مشکلیش شده است... اینها را به‌دست می‌آوریم. وقتی شناسایی کردیم، نوبت به تعلیم و تربیت می‌رسد و اینکه چگونه مشکل را حل کنیم.

یکی از ویژگی‌های مشاوره اسلامی همین است که به شناسایی مشکل، قناعت نمی‌کند و برای حل هر مشکلی، می‌کوشد به مراجع کمک کند. دین، متعهد است که انسان‌ها را مدیریت کند و این مدیریت گاهی اقتضا می‌کند که افراد درمان‌های ویژه‌ای را بپذیرند. مشاوره دینی هم باید همین تعهد را داشته باشد؛ یعنی پس از شناسایی درد و مشکل، به راه‌حل‌ها بپردازد.

مشاوره در چه حوزه‌هایی از زندگی انسان، به ویژه طلاب مطرح است؟

محمد مهدی صفورایی باریزی: من معتقدم در همه حیطه‌های زندگی، از جسمی تا روحی، روانی، اجتماعی، فردی، کاری، شغلی، تحصیلی و سیاسی و هر چه که ما در نظر بگیریم، به مشاوره نیاز فوری است. هیچ‌کس نیست که از مشاوره بی‌نیاز باشد. بالاخره هر یک از ما در زمینه خاصی، تخصص داریم و در زمینه‌های دیگر باید به دیگران مراجعه کنیم. وقتی خداوند به پیامبرش دستور می‌دهند که مشورت کن، تکلیف دیگران را هم معلوم کرده است.

بهانه‌ای که گاهی شنیده می‌شود، این است که ما نمی‌خواهیم اسرار خصوصی

زندگی مان را به دیگران بگوییم. این بهانه، واقعا بهانه است. مشاور، شغلش مشاوره است و صبح تا شب مسائل خصوصی مردم را می‌شنود و همه آنها را حفظ می‌کند. افشای اسرار دیگران جرم است و اگر کسی مسائل خصوصی کسی را فاش کرد، پیگرد قانونی دارد. در ضمن مشاوره، گاهی واجب می‌شود؛ وقتی لازم است و باید پیش مشاور حاذق رفت، نباید به این بهانه‌ها بها داد.

شرم و حیا هم معنا ندارد. مشکل را باید حل کرد. مخفی کردن آن، دردی را دوا نمی‌کند؛ بلکه اگر پنهانش کنیم، مزمن می‌شود و زبان‌های بیشتری بر ما وارد می‌سازد.

علی نقی فقیهی: امام سجاد(ع) می‌فرمایند: لا یفعلن احدکم امرا حتی یستشیر؛ هیچ کاری را بدون مشورت انجام نده. مشاوره به قدری فواید و نتایج مثبت دارد که هیچ عرصه‌ای از زندگی نباید از آن خالی باشد. وقتی قرار است یک راه طولانی (مانند تحصیل) را شروع کنیم، چرا از ابتدا با بصیرت و آگاهانه شروع نکنیم. بصیرت، نتیجه مشورت است. حتی در اعتقادات هم خوب است که مشورت کنیم و جوگیر نشویم. در رابطه با مسائل فرعی و احکام هم باید سراغ آگاهان برویم. از شرعیات تا عرفیات، عرصه مشاوره است.

محمدحسین حق جو: من موضوعی را نمی‌شناسم که در آن نیاز به مشاوره نباشد؛ منتها در برخی مسائل، مشاوره لازم‌تر یا فوری‌تر است. وقتی کسی مثلا در مسائل زناشویی یا پزشکی مشکل دارد، فوراً باید نزد متخصص برود و مشکلش را حل کند. پس همه جا مشاوره لازم است؛ اما گاهی فوری است.

محمدرضا احمدی: از آنجا که دایره زندگی گسترده است و انسان نمی‌تواند در تمام آنها به دانش و تجربه کافی دست یابد، نیازمند استفاده از دانش و تجارب دیگران است. پس اگر بگوییم مشاوره در تمام حوزه‌های زندگی راه دارد، حرف گزافی نزده‌ایم. البته گاهی به حد لزوم و ضرورت می‌رسد و چاره‌ای نیست جز اینکه طی یک فرایند مشاوره‌ای به حل یا درمان مشکل پرداخت.

محمدحسین شریفی‌نیا: مشاوره در حوزه، می‌تواند در شاخه‌ها و ابعاد مختلف مطرح باشد؛ مانند مشاوره تحصیلی. باید طلبه‌ها را از لحظه ورود به مدرسه و آغاز دروس طلبگی، به لحاظ روحی-روانی حمایت کنیم و گام به گام همراه آنان باشیم. مشکلات تحصیلی، جدی است. افت‌های تحصیلی، سرمایه‌های عظیمی از حوزه را تباه می‌کند.

مشاوره دوم که در حقیقت باید اول ذکر می‌کردم، مشاوره در گزینش است. مشاوران یا روان‌شناسان باید در زمان گزینش طلاب حضور داشته باشند و از ابزارهای تخصصی برای تعیین صلاحیت‌های شخصیتی و اخلاقی طلبه‌ها برای ورود به این صنف بسیار اثرگذار و مهم استفاده کنند. پس گام اول در گزینش، گام دوم در تحصیل. گام سوم مشاوره خانوادگی است. بسیاری از مشکلات زوج‌ها و مسائلی که برای طلاب جوان در همسرگزینی یا ارتباط با همسر پیش می‌آید و مسائلی از این قبیل، در جلسات مشاوره قابل حل‌اند.

حوزه چهارم مشاوره در بخش تربیت فرزند است. شاخه بعدی مشاوره، در مسائل اختلالات رفتاری است؛ مانند اضطراب و وسواس. حوزه بعدی توانمندسازی طلاب در مهارت مشاوره‌ای است. بعد بعدی پژوهش در مشکلات رفتاری-روانی طلاب است. بعد بعدی نشر و گسترش کتاب‌ها و جزوه‌هایی است که رفتارهای دینی را در قالب مشاوره‌ای مطرح می‌کند یا با استفاده از فنون مشاوره‌ای، رفتارهای دینی مثل نماز، حسن خلق، ایمان و تعبد را برای نسل جوان تبیین می‌کند. بر این فهرست باز هم می‌توان افزود.

چه رابطه‌ای بین مشاوره و پژوهش وجود دارد؟

محمدحسین شریفی‌نیا: مشاوره در پژوهش، مانند مشاوره در تجارت یا انتخاب مسکن است. این نوع مشاوره‌های عمومی، غیر از مشاوره روان‌شناختی است که موضوع بحث ما است.

وقتی خداوند به پیامبرش که عقل کل و دانا به همه امور است، امر به مشورت با مؤمنین می‌کند، تکلیف ما هم معلوم است. مشورت در امر پژوهش یا به اصطلاح امروزی‌ها داشتن استاد مشاور، یکی از ضروریات است. متأسفانه گاهی مشورت‌ها تخصصی نیست. مستی توصیه‌های کلی است که من نام آنها را مشورت نمی‌گذارم. استاد مشاور باید خیلی جلوتر از پژوهشگری باشد که به او رجوع کرده است؛ و گرنه نقض غرض می‌شود.

در امر اخلاق و عرفان هم از مشاوره به معنای اصطلاحی آن، فاصله می‌گیریم؛ اما بی‌شک در تعالی و تهذیب انسان‌ها یا در پیمودن سلوک عرفانی، ما نیاز به راهنما و مشاور داریم. همان‌طور که جناب حافظ گفته است: بی‌همری خضر، نباید پا در ظلمات گذاشت؛ پیمودن مسیر سخت و دشوار عرفان، بدون راهنما ممکن نیست. اخلاق و عرفان به همان اندازه که دشوار و دیریاب‌اند، نیاز به مشاور و راهنمایان امین دارند. اتفاقاً به عقیده من یکی از ضروریات زندگی معنوی، داشتن استادان حاذق در اخلاق و عرفان است. پیدا کردن راه‌های بهتر برای ارتباط با خدا، ضروری است و این راه‌های بهتر و مناسب‌تر، در گفت‌وگوهای مشورتی پیدا می‌شوند.

محمد مهدی صفورایی باریزی: همین که برای هر رساله‌ای باید یک استاد مشاور هم داشت، نشان می‌دهد که مشاوره چه نقشی در تحقیق و پژوهش دارد. در واقع استاد راهنما هم کاری جز مشاوره نمی‌کند. بنابراین تجربه علمی بشر به اینجا رسیده است که برای هر تحقیق و تولید اثری، حداقل نیاز به دو مشاور است. تجربه هم نشان داده است محققانی که روحیه مشورت و رایزنی در آنها قوی‌تر است توفیقات بیشتری در امر تحقیق دارند و پس از انتشار کتاب‌شان، نقدهای کمتر و سبک‌تری بر کار آنان وارد است. پژوهشی که در آن مشاوره صورت نگیرد، ممکن است به راهی رود که تماماً باطل باشد و پژوهشگر موقعی متوجه خطای خود شود که وقت زیادی از او تلف شده است.

علی نقی فقیهی: مشاوره دینی، نمی‌تواند مبتنی و متکی بر تحقیق نباشد. در حوزه مشاوره، دست کم دو گونه مطالعه و تحقیق لازم است: اول، تحقیق در متون دینی و استخراج مبانی و اصول است که بر اساس آن روش‌ها و تکنیک‌ها هم شالوده‌سازی می‌شود. در مشاوره دینی، به انسان از منظر دین می‌نگریم. پس باید از انسان‌شناسی دینی بی‌خبر نباشیم و بدانیم که دین، انسان را چگونه موجودی تعریف می‌کند و چه اهدافی را برای او معین کرده است. آنچه از متون و نصوص دینی، برمی‌آید، حجت است؛ برخلاف داده‌های علمی که نوعاً ظنون و فرضیه‌های موقت و تغییرپذیرند.

تحقیق دوم، مطالعه میدانی است. باید رفت در میان مردم و از نزدیک مشکلات را بررسی کرد. کتابخانه‌ها تا حدی کمک می‌کنند. همه آنچه مشاور باید بداند در کتاب‌ها



نیست. مشاوران باید بررسی‌های زنده‌تری داشته باشند که فقط با تحقیقات میدانی ممکن خواهد بود.

درباره پژوهش‌های مشاوره‌محور، فراموش نباید کرد که در اینجا هم تحقیقات گروهی بهتر جواب می‌دهند. تحقیقات گروهی، به این معنا نیست که یکی دستور دهد و دیگران مطابق سلیقه او عمل کنند. تحقیق گروهی، یعنی چند نفر که هر کدام در یک زمینه تخصص دارند، کنار هم می‌نشینند و کار را بین خود تقسیم می‌کنند.

محمدحسین حق‌جو: مشاوره هم مانند همه موضوعات علمی و کاربردی دیگر، نیاز به زیرساخت‌هایی دارد که فقط از طریق تحقیقات جدی، قابل دسترسی اند. برخی مقالات و کتاب‌هایی که اکنون چاپ می‌شوند، واقعا پاسخگوی نیازها نیستند؛ چون ریشه در پژوهش‌های جدی و مفصل ندارند. ما نیاز داریم که معارف و دانش‌های سنتی خود را به‌روز کنیم و این مهم بدون همکاری با سایر مراکز تحقیقاتی ممکن نیست. لازم است که همکاری زنده‌تری با دانشگاه داشته باشیم و دانسته‌های خود را در زمینه‌های مربوط، روزآمد کنیم. در مدیریت‌های ضعیف، معمولاً تحول مهمی صورت نمی‌گیرد. ما نیاز به تحول داریم؛ یعنی همان چیزی که مقام معظم رهبری از آن به «جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» یاد کردند و زمینه را برای نوآوری هموار فرمودند.

مشاور باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

محمد رضا احمدی: از آنجا که در مشاوره، حادث‌ترین مشکلات افراد و اسرار خصوصی و خانوادگی آنان، مطرح می‌شود، لازم است که مشاور واجد همه شرایط لازم باشد، که به عقیده من عبارتند از:

۱. در موضوع مشاوره، کارشناس و صاحب نظر باشد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: با علمای صالح مشورت کنید. یا می‌فرماید: دوراندیشی آن است که با صاحب‌نظران مشورت کنید. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰)

۲. عاقل و خردمند باشد. حضرت علی می‌فرماید: کسی که با خردمندان و عقلا مشورت کند، به راه درست راهنمایی می‌شود. رسول اکرم نیز می‌فرماید: مشورت کردن با عاقل خیرخواه، توفیقی از جانب خداوند است.

۳. دوستدار و دلسوز مُراجع باشد.

۴. رازنگه دار باشد. مشاور امانت دار است و کسی که در امانت خیانت کند، صلاحیت مشاوره هم ندارد.

۵. پرهیزگار باشد و از حدود الهی تجاوز نکند و راه‌های نامطلوب را به مراجع پیشنهاد نکند؛ زیرا در آیین ما هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند.

۶. علاوه بر علم و تخصص، تجربه کافی هم داشته باشد؛ زیرا مشاوره، سخنرانی نیست و مشاور هم نمی‌تواند متکلم وحده باشد؛ بنابراین گاهی باید سکوت کند و از میان جملات مراجع و با توجه به تجربه‌هایی که دارد، بهترین راه را برای درمان مشکلات او پیدا کند.

۷. حوصله و صبر کافی داشته باشد.

علی‌نقی فقیهی: مشاور باید عالم، عاقل، متدین، صبور، واقع‌بین، آگاه به معارف و احکام دینی، مجرب، مهربان و دلسوز باشد. همچنین، مشاوره را وظیفه انسانی و دینی خود بداند، نه راهی برای درآمد بیشتر. بصیرت در دین، برای مشاور بسیار ضروری است. برخی مشکلات مردم متدین، نتیجه بدفهمی آنان نسبت به دین و آیین است. مثلاً نذری کرده و برآورده نشده است. همین ناکامی، او را تا مرز بی‌دینی می‌برد. مشاور باید چنان شناختی از دین و اسرار دینی داشته باشد که در یک جلسه گفت‌وگو، ذهن مراجع را روشن کند و با ادله کافی و قانع‌کننده او را به خطایی که مرتکب شده است، واقف کند.

اسوه یا حسنه بودن، یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که مشاور باید داشته باشد. تقوا، همدردی و همدلی با دردمندان، اخلاص، دوراندیشی، حسن ظن به خدا و تدبیرات الهی، مثبت‌اندیشی و ده‌ها ویژگی دیگر که جداگانه باید دربارهٔ هر یک از آنها گفت‌وگو کرد.

اما ویژگی‌هایی هم وجود دارد که بیشتر رفتاری و روشی محسوب می‌شوند؛ مانند اینکه مشاور باید آغاز به سلام بکند، احترام بگذارد، دست بدهد، شادمانی خود را از ملاقات با مراجع آشکار کند، سخنش را با نام خدا آغاز کند، در توجه به مراجع و شنیدن حرف‌های او کوتاهی نکند، به مسائلی که مربوط به موضوع مشاوره نمی‌شود، کاری نداشته باشد و دربارهٔ آنها مراجع را سؤال پیچ نکند....

محمدحسین شریفی‌نیا: چند ویژگی لازم است: اول اینکه باید به دانش مربوط مسلط باشد؛ یعنی تخصص داشته باشد. تخصص خیلی مهم است. با خواندن چند جزوه و کتاب، کسی شایسته مشاوره نمی‌شود. حتی گاهی مدرک تحصیلی هم کافی نیست. تجربه از این راه‌ها به دست نمی‌آید.

دوم، داشتن هنر برقراری رابطه است. مشاوره بعد از دانش، نیاز به قدرت برقراری ارتباط دارد. اگر هنر برقراری یک رابطه مؤثر و سازنده را نداشته باشیم، در امر مشاوره - چه مشاوره پژوهشی باشد، چه مشاوره برای رفع یک اختلال و مشکل - موفق نخواهیم بود. مسئله سوم، آشنایی با زمینه‌های اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی مراجع است. یک مشاور موفق نیاز دارد که زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی مراجعش را دقیقاً بشناسد و با مبادی آنها آشنا باشد تا بتواند در چارچوب باورها، نگرش‌ها و شناخت‌های آن فرد سخن بگوید و راه حل نشان دهد. همچنین مشاور باید از ویژگی‌های شخصیتی خاص برخوردار باشد؛ مانند سعه صدر، رازداری، عدم انجماد فکری و تحجر، وابستگی تعصب‌آمیز به یک موضوع خاص، خوشرویی، خوش برخوردی و دلسوزی...

علاوه بر اینها یک مشاور موفق، به لحاظ ظاهری هم باید ویژگی‌های مناسبی داشته باشد. مثلاً نقص عضو آشکاری نداشته باشد، آراستگی ظاهری را رعایت کند، حرکات اضافی نداشته باشد، لباسش آراسته و پاکیزه باشد و...

نکته مهم دیگر، جلب اعتماد مراجع است. کسانی که به ما مراجعه می‌کنند، نخست ما را امتحان می‌کنند و اگر در امتحان آنان موفق بودیم، ما را به عنوان مشاور خود انتخاب می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی